



سال انتشار	۱۴۰۵	شماره انتشار	۲۸	دوره انتشار	۹	صفحات	۱-۴۴
------------	------	--------------	----	-------------	---	-------	------

حق بر صلح در حقوق بین الملل و حقوق بشر معاصر: مبانی نظری، تحولات هنجاری، چالش های اجرایی و چشم انداز تحقق در نظام حقوقی جهانی

آقای سید کیهان اسدی، آقای دکتر عباد روحی و خانم دکتر فاطمه امامی

کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور استان تهران، ایران.

دکترای تخصصی دانشگاه جیهان کردستان عراق.

دکترای تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی سنندج

چکیده

صلح همواره یکی از بنیادی ترین آرمان های بشریت و از مهم ترین اهداف حقوق بین الملل بوده است. با این حال، تحولات قرن بیستم و بیست و یکم نشان داده است که صرف منع جنگ برای تحقق صلح پایدار کافی نیست. از این رو، مفهوم «حق بر صلح» به تدریج از یک آرمان اخلاقی و سیاسی به یک مفهوم حقوقی در عرصه حقوق بین الملل و حقوق بشر تبدیل شده است. این پژوهش با بهره گیری از روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی مبانی فلسفی، حقوقی و هنجاری حق بر صلح در نظام بین المللی می پردازد. مقاله ضمن تحلیل منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق های بین المللی حقوق بشر، اعلامیه حق ملت ها به صلح مصوب ۱۹۸۴ و اعلامیه حق بر صلح مصوب ۲۰۱۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، جایگاه حق بر صلح را در نظام حقوق بین الملل معاصر مورد بررسی قرار می دهد. همچنین نقش سازمان ملل متحد، شورای امنیت، دیوان بین المللی دادگستری، شورای حقوق بشر، دولت ها، سازمان های منطقه ای و جامعه مدنی در تحقق این حق تحلیل می شود. یافته های پژوهش نشان می دهد که اگرچه حق بر صلح هنوز به مرحله یک قاعده کاملاً الزام آور نرسیده است، اما روند رو به رشد هنجارسازی بین المللی، آن را به یکی از مهم ترین حقوق همبستگی نسل سوم حقوق بشر تبدیل کرده است. در نهایت، پژوهش راهکارهایی برای تقویت ضمانت اجرا و تحقق عملی حق بر صلح در نظام بین المللی ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: حق بر صلح، حقوق بین الملل، حقوق بشر، سازمان ملل متحد، امنیت بین المللی، حقوق همبستگی، توسعه پایدار، عدالت جهانی

طبقه بندی: JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



The right to peace in international law and contemporary human rights: theoretical foundations, normative developments, implementation challenges and prospects for realization in the global legal system.

Abstract

Peace has always been one of the most fundamental ideals of humanity and one of the most important goals of international law. However, developments in the 20th and 21st centuries have shown that simply prohibiting war is not enough to achieve lasting peace. Therefore, the concept of "right to peace" has gradually changed from a moral and political ideal to a legal concept in the field of international law and human rights. Using the descriptive-analytical method, this research examines the philosophical, legal and normative foundations of the right to peace in the international system. While analyzing the United Nations Charter, the Universal Declaration of Human Rights, international human rights covenants, the Declaration of the Right of Nations to Peace approved in 1948 and the Declaration of the Right to Peace approved by the United Nations General Assembly in 2016, the article examines the position of the right to peace in the contemporary international legal system. Also, the role of the United Nations, Security Council, International Court of Justice, Human Rights Council, governments, regional organizations and civil society in realizing this right is analyzed. The findings of the research show that although the right to peace has not yet reached the stage of a completely binding rule, the growing process of international standardization has made it one of the most important solidarity rights of the third generation of human rights. Finally, the research provides solutions to strengthen the guarantee of implementation and practical realization of the right to peace in the international system.

Keywords: The right to peace, International law, Human rights, United Nations, International security, Solidarity rights, Sustainable development, Universal justice



متن مقاله

بیان مسئله:

امروزه صلح به عنوان یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشریت و یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های تحقق حقوق بشر شناخته می‌شود. با وجود پیشرفت‌های گسترده در عرصه حقوق بین‌الملل و تأسیس نهادهای متعدد بین‌المللی، جهان همچنان شاهد جنگ‌های بین‌المللی، مخاصمات داخلی، تروریسم، خشونت‌های سازمان‌یافته، نقض گسترده حقوق بشر و بحران‌های انسانی است.

در چنین شرایطی، مفهوم «حق بر صلح» به عنوان یکی از حقوق نوظهور نسل سوم حقوق بشر مطرح شده است. با این حال، هنوز درباره ماهیت حقوقی این حق، قلمرو آن، ضمانت اجراهای موجود، تعهدات دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و رابطه آن با سایر حقوق بشر اختلاف‌نظرهای فراوانی وجود دارد.

پرسش اصلی این است که آیا حق بر صلح را می‌توان به عنوان یک حق مستقل بشری شناسایی کرد و چه جایگاهی در نظام حقوق بین‌الملل معاصر دارد؟

همچنین این مسئله مطرح است که چه موانع و چالش‌هایی بر سر راه تحقق عملی این حق وجود دارد و جامعه جهانی چگونه می‌تواند آن را به یک حق الزام‌آور و قابل اجرا تبدیل کند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش:

اهمیت این پژوهش از چند جهت قابل بررسی است:

نخست آنکه در عصر حاضر، تهدیدهای جدیدی نظیر جنگ‌های ترکیبی، تروریسم فراملی، حملات سایبری، بحران‌های اقلیمی و مهاجرت‌های اجباری مفهوم سنتی صلح را دگرگون کرده‌اند.

دوم آنکه تحقق بسیاری از حقوق بنیادین بشر از جمله حق حیات، حق

یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های تاریخ بشر، دستیابی به صلح بوده است. از نخستین جوامع انسانی تا عصر جهانی‌شدن، جنگ، خشونت و منازعات مسلحانه همواره از مهم‌ترین تهدیدهای حیات انسانی به شمار آمده‌اند. تاریخ تمدن بشری در کنار دستاوردهای علمی و فرهنگی، سرشار از جنگ‌هایی است که میلیون‌ها انسان را قربانی کرده و آثار ویرانگر اقتصادی، اجتماعی و انسانی برجای گذاشته‌اند.

دو جنگ جهانی در قرن بیستم نقطه عطفی در تحول اندیشه حقوق بین‌الملل محسوب می‌شوند. ابعاد بی‌سابقه خشونت، کشتار گسترده غیرنظامیان و تهدید موجودیت بشریت موجب شد جامعه جهانی به این نتیجه برسد که حفظ صلح نباید صرفاً یک هدف سیاسی باشد، بلکه باید به عنوان یک اصل بنیادین حقوقی مورد حمایت قرار گیرد.

تشکیل United Nations در سال ۱۹۴۵ تجلی همین تحول فکری بود. منشور سازمان ملل متحد با این عبارت آغاز می‌شود که ملت‌های متحد مصمم هستند نسل‌های آینده را از بلای جنگ مصون نگاه دارند. این جمله به خوبی نشان می‌دهد که فلسفه وجودی سازمان ملل، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است.

با گذشت زمان، مفهوم صلح از یک وضعیت صرفاً منفی (نبود جنگ) به یک مفهوم مثبت و چندبعدی تبدیل شد. امروزه صلح نه تنها به معنای فقدان مخاصمه مسلحانه، بلکه به معنای تحقق عدالت، توسعه، احترام به حقوق بشر، برابری، امنیت انسانی و کرامت ذاتی انسان‌ها تلقی می‌شود.

در چنین بستری، اندیشه «حق بر صلح» شکل گرفت. این اندیشه بر این فرض استوار است که صلح تنها یک هدف سیاسی دولت‌ها نیست، بلکه حقی است که همه انسان‌ها و ملت‌ها از آن برخوردارند و جامعه بین‌المللی موظف به حمایت از آن است.



۱. مبانی نظری و فلسفی حق بر صلح چیست؟

۲. مهم‌ترین اسناد بین‌المللی مرتبط با حق بر صلح کدام‌اند؟

۳. سازمان ملل متحد چه نقشی در توسعه حق بر صلح ایفا کرده است؟

۴. رابطه میان حق بر صلح و سایر حقوق بشر چگونه تبیین می‌شود؟

۵. مهم‌ترین موانع تحقق عملی حق بر صلح چیست؟

۶. چه راهکارهایی برای نهادینه‌سازی حق بر صلح وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش:

فرضیه اصلی:

حق بر صلح به عنوان یکی از حقوق نوظهور نسل سوم حقوق بشر، دارای مبانی حقوقی و هنجاری قابل توجهی در نظام حقوق بین‌الملل معاصر است و در مسیر تبدیل شدن به یک حق مستقل و الزام‌آور بین‌المللی قرار دارد.

فرضیه‌های فرعی:

۱. منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حق بر صلح ۲۰۱۶ مهم‌ترین مبانی حقوقی شناسایی حق بر صلح را تشکیل می‌دهند.
۲. تحقق کامل حقوق بشر بدون تضمین صلح پایدار امکان‌پذیر نیست.
۳. سازمان ملل متحد مهم‌ترین نهاد بین‌المللی توسعه‌دهنده مفهوم حق بر صلح محسوب می‌شود.
۴. ضعف ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل یکی از مهم‌ترین موانع تحقق حق بر صلح است.

۵. توسعه عدالت اجتماعی، آموزش حقوق بشر و گسترش فرهنگ گفت‌وگو می‌تواند به تحقق حق بر صلح کمک کند.

روش تحقیق:

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی - توسعه‌ای و از نظر ماهیت، توصیفی

توسعه، حق آموزش و حق سلامت بدون وجود صلح امکان‌پذیر نیست.

سوم آنکه ادبیات حقوقی مربوط به حق بر صلح در ایران هنوز محدود است و پژوهش حاضر می‌تواند به غنای ادبیات علمی فارسی در این حوزه کمک کند.

چهارم آنکه بررسی حق بر صلح می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های ملی و بین‌المللی مرتبط با امنیت انسانی، توسعه پایدار و حقوق بشر مورد استفاده قرار گیرد.

اهداف پژوهش:

هدف اصلی:

تبیین جایگاه حق بر صلح در نظام حقوق بین‌الملل و حقوق بشر معاصر.

اهداف فرعی:

- بررسی مبانی نظری و فلسفی حق بر صلح.
- تحلیل اسناد بین‌المللی مرتبط با حق بر صلح.
- بررسی جایگاه حق بر صلح در حقوق بشر معاصر.
- مطالعه نقش سازمان‌های بین‌المللی در تحقق حق بر صلح.
- تحلیل مسئولیت دولت‌ها در حمایت از صلح.
- بررسی چالش‌ها و موانع تحقق حق بر صلح.
- ارائه راهکارهای حقوقی و اجرایی برای نهادینه‌سازی حق بر صلح.

پرسش‌های پژوهش:

پرسش اصلی:

حق بر صلح چه جایگاهی در نظام حقوق بین‌الملل و حقوق بشر معاصر دارد؟

پرسش‌های فرعی:



• دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع صلح و حقوق بشر پرداخته‌اند.

با این وجود، هنوز پژوهشی جامع که حق بر صلح را از منظر حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، حقوق اسلامی و حقوق ایران به صورت تلفیقی بررسی کند، محدود است و پژوهش حاضر درصدد پر کردن این خلأ علمی است.

نوآوری پژوهش:

نوآوری‌های اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. بررسی همزمان حق بر صلح از منظر حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، اندیشه اسلامی و حقوق ایران.
۲. تحلیل تطبیقی میان اسناد بین‌المللی و مبانی فقهی و اسلامی صلح.
۳. بررسی رابطه میان حق بر صلح و امنیت انسانی.
۴. ارائه راهکارهای اجرایی و سیاستی برای نهادینه‌سازی حق بر صلح.
۵. تحلیل چالش‌های نوظهور از جمله جنگ سایبری، هوش مصنوعی نظامی و تغییرات اقلیمی در ارتباط با حق بر صلح.

چارچوب نظری پژوهش:

چارچوب نظری این تحقیق مبتنی بر نظریه «صلح مثبت» یوهان گالتونگ و نظریه «امنیت انسانی» است.

بر اساس نظریه صلح مثبت، صلح صرفاً فقدان جنگ نیست، بلکه مستلزم وجود عدالت، توسعه، برابری، احترام به حقوق بشر و مشارکت اجتماعی است.

همچنین نظریه امنیت انسانی، امنیت را فراتر از امنیت دولت‌ها دانسته و بر حمایت از انسان‌ها در برابر تهدیدهای اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی تأکید می‌کند.

- تحلیلی است.

روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و داده‌های پژوهش از طریق:

- کتاب‌های تخصصی حقوق بین‌الملل؛
- مقالات علمی؛
- اسناد سازمان ملل متحد؛
- معاهدات بین‌المللی؛
- آرای دیوان بین‌المللی دادگستری؛
- و گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی جمع‌آوری شده است.

در تحلیل داده‌ها از روش استدلال حقوقی، تحلیل اسنادی، مطالعه تطبیقی و بررسی رویه بین‌المللی استفاده شده است.

پیشینه پژوهش:

مطالعات متعددی درباره صلح، امنیت بین‌المللی و حقوق بشر انجام شده است؛ با این حال پژوهش‌های مستقلی که حق بر صلح را به عنوان یک حق بشری مستقل مورد بررسی قرار دهند، نسبتاً محدود هستند.

در سطح بین‌المللی، آثار پژوهشگرانی همچون:

- Johan Galtung
- Philip Alston
- Christian Tomuschat
- Antonio Cassese
- Oliver Richmond

نقش مهمی در توسعه ادبیات حق بر صلح داشته‌اند.

در ایران نیز پژوهشگرانی چون:

- پروفسور جمشید ممتاز
- دکتر ناصر قربان‌نیا



حق بر صلح نیز بر همین برداشت گسترده از صلح استوار است.
۱-۲. سیر تاریخی تحول اندیشه صلح
اندیشه صلح قدمتی به اندازه تاریخ تمدن بشری دارد.
در فلسفه یونان باستان، متفکرانی چون Aristotle و Plato درباره نظم،
عدالت و آرامش اجتماعی بحث کرده‌اند.
در سنت اسلامی نیز صلح جایگاهی بنیادین دارد. واژه «اسلام» خود از
ریشه «سلم» و «سلام» گرفته شده است. قرآن کریم بارها انسان‌ها را به
صلح، آشتی و پرهیز از تجاوز دعوت می‌کند.

برای نمونه:
«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»
(اگر به صلح گرایش یافتند، تو نیز به آن گرایش پیدا کن.)
این رویکرد نشان می‌دهد که صلح در اندیشه اسلامی نه یک وضعیت
استثنایی، بلکه اصل حاکم بر روابط انسانی است.

فصل دوم:

مبانی حقوقی حق بر صلح در حقوق بین‌الملل معاصر

از منع جنگ تا شناسایی تدریجی صلح به عنوان یک حق بشری
۱-۲. مقدمه
یکی از مهم‌ترین پرسش‌های حقوق بین‌الملل معاصر این است که آیا «حق
بر صلح» صرفاً یک آرمان اخلاقی و سیاسی است یا می‌توان آن را به عنوان
یک حق حقوقی قابل استناد تلقی کرد؟
برای پاسخ به این پرسش باید به سیر تحول حقوق بین‌الملل مراجعه کرد.
در گذشته، جنگ یکی از ابزارهای مشروع سیاست خارجی دولت‌ها
محسوب می‌شد. دولت‌ها می‌توانستند برای توسعه قلمرو، تأمین منافع

بر این اساس، حق بر صلح به عنوان یک حق بنیادین انسانی زمانی محقق
می‌شود که علاوه بر فقدان محاصره مسلحانه، شرایط لازم برای زندگی
شرافتمندانه و برخورداری از سایر حقوق بشر نیز فراهم باشد.

فصل اول:

مبانی مفهومی و نظری حق بر صلح

۱-۱. مفهوم حق بر صلح
برای بررسی حقوقی حق بر صلح، ابتدا باید مفهوم صلح روشن شود.
در ادبیات سنتی روابط بین‌الملل، صلح عمدتاً به معنای فقدان جنگ
تعریف می‌شد. این مفهوم که توسط بسیاری از حقوقدانان کلاسیک مورد
پذیرش قرار گرفته بود، امروزه «صلح منفی» نامیده می‌شود.
اما این تعریف به تدریج ناکافی تلقی شد.

زیرا ممکن است کشوری در وضعیت جنگ نباشد، اما شهروندان آن:

- قربانی فقر باشند؛
 - از حقوق بنیادین محروم شوند؛
 - تحت تبعیض قرار گیرند؛
 - یا در معرض خشونت ساختاری قرار داشته باشند.
- در چنین شرایطی نمی‌توان ادعا کرد که صلح واقعی برقرار است.
به همین دلیل اندیشمندان معاصر از مفهوم «صلح مثبت» سخن گفته‌اند.
صلح مثبت به معنای وجود شرایطی است که در آن:
- عدالت اجتماعی برقرار باشد؛
 - حقوق بشر محترم شمرده شود؛
 - توسعه پایدار تحقق یابد؛
 - و کرامت انسانی مورد حمایت قرار گیرد.



• اختلافات را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز حل و فصل نماید؛

• و اقدامات جمعی لازم را برای حفظ صلح انجام دهد.

این ماده نشان می‌دهد که صلح نه یک موضوع فرعی بلکه مهم‌ترین هدف نظام ملل متحد است.

ماده ۲ منشور و اصل منع توسل به زور

مهم‌ترین تحول حقوقی قرن بیستم در ماده ۲ بند ۴ منشور متجلی شده است.

بر اساس این ماده:

تمامی اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر دولت خودداری خواهند کرد. این ماده یکی از قواعد آمره (Jus Cogens) حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

اهمیت ماده ۲ در شکل‌گیری حق بر صلح

اگرچه منشور مستقیماً از «حق بر صلح» سخن نمی‌گوید، اما منع توسل به زور زمینه حقوقی لازم را برای شناسایی چنین حقی فراهم می‌سازد. زیرا:

اگر جنگ غیر قانونی باشد،

پس صلح باید ارزش حقوقی داشته باشد.

این منطق، زیربنای بسیاری از نظریه‌های معاصر حق بر صلح است.

۳-۲. اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیوند میان صلح و کرامت انسانی

یکی از مهم‌ترین اسناد حقوق بشری جهان، اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ است.

هرچند در متن اعلامیه اصطلاح «حق بر صلح» به طور صریح دیده نمی‌شود، اما روح حاکم بر اعلامیه به شدت با مفهوم صلح پیوند خورده است.

اقتصادی یا افزایش قدرت سیاسی به جنگ متوسل شوند و حقوق بین‌الملل کلاسیک نیز در بسیاری موارد این وضعیت را می‌پذیرفت.

اما فجایع انسانی ناشی از دو جنگ جهانی، نگاه جامعه بین‌المللی را به طور اساسی تغییر داد. پس از سال ۱۹۴۵ اصل منع توسل به زور به یکی از مهم‌ترین قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل تبدیل شد و به تدریج زمینه‌های حقوقی شناسایی «حق بر صلح» فراهم گردید.

بنابراین، حق بر صلح محصول یک تحول تدریجی در نظام حقوق بین‌الملل است؛ تحولی که از «ممنوعیت جنگ» آغاز شد و به سمت «شناسایی صلح به عنوان حق بشریت» حرکت کرد.

۲-۲. منشور سازمان ملل متحد؛ سنگ بنای حقوقی حق بر صلح

بدون تردید مهم‌ترین سند بین‌المللی مرتبط با صلح، منشور سازمان ملل متحد است.

منشور سازمان ملل پس از جنگ جهانی دوم با هدف جلوگیری از تکرار فجایع جنگی تدوین شد. در مقدمه منشور آمده است:

«ما مردم ملل متحد مصمم هستیم نسل‌های آینده را از بلای جنگ که دو بار در طول زندگی ما رنج‌های وصف‌ناپذیری بر بشریت تحمیل کرده است، مصون داریم.»

این عبارت صرفاً یک جمله سیاسی نیست؛ بلکه بیانگر فلسفه بنیادین نظام حقوقی جدید بین‌المللی است.

ماده ۱ منشور و صلح بین‌المللی

ماده ۱ منشور سازمان ملل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را نخستین هدف سازمان معرفی می‌کند.

بر اساس این ماده، سازمان ملل موظف است:

• از تهدید علیه صلح جلوگیری کند؛



• آزادی بیان؛
• آزادی تجمع؛
• امنیت فردی؛ در شرایط جنگی به شدت آسیب می بینند.
حقوق اقتصادی و اجتماعی
همچنین:
• حق آموزش؛
• حق سلامت؛
• حق کار؛
• حق توسعه؛ نیز در سایه جنگ و ناامنی قابل تحقق نیستند.
بنابراین، صلح زیربنای عملی تمامی حقوق مندرج در میثاقین محسوب می شود.
۲-۵. اعلامیه حق ملت ها به صلح (۱۹۸۴)
یکی از مهم ترین اسناد مرتبط با موضوع این پژوهش، اعلامیه حق ملت ها به صلح است که توسط مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۴ تصویب شد.
این سند نقطه عطفی در تحول مفهوم حق بر صلح محسوب می شود.
اهمیت تاریخی اعلامیه
برای نخستین بار جامعه بین المللی اعلام کرد:
ملت های جهان دارای حق مقدس برخورداری از صلح هستند.
این عبارت از لحاظ هنجاری اهمیت فوق العاده ای دارد.
زیرا صلح دیگر صرفاً یک هدف سیاسی تلقی نمی شود، بلکه به عنوان یک حق معرفی می گردد.
تعهد دولت ها
اعلامیه ۱۹۸۴ دولت ها را موظف می داند:
• از جنگ جلوگیری کنند؛

کرامت انسانی و صلح
ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می دارد:
تمامی افراد بشر آزاد به دنیا می آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند.
احترام به کرامت انسانی بدون وجود صلح امکان پذیر نیست.
جنگ:
• کرامت انسانی را نقض می کند؛
• حق حیات را تهدید می کند؛
• و آزادی های بنیادین را محدود می سازد.
در نتیجه، بسیاری از حقوقدانان معتقدند که صلح پیش شرط تحقق تمامی حقوق بشر است.
حق حیات و صلح
ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان می کند:
هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد.
هیچ تهدیدی برای حق حیات بزرگ تر از جنگ نیست.
از این منظر، حق بر صلح را می توان لازمه منطقی حق حیات دانست.
۲-۴. میثاق های بین المللی حقوق بشر و توسعه مفهوم صلح
در سال ۱۹۶۶ دو سند مهم حقوق بشری تصویب شدند:
International Covenant on Civil and Political Rights •
International Covenant on Economic, Social and •
Cultural Rights
این دو سند اگرچه مستقیماً حق بر صلح را شناسایی نکرده اند، اما بسیاری از حقوق مندرج در آن ها بدون وجود صلح قابل تحقق نیستند.
حقوق مدنی و سیاسی
حقوقی مانند:
• حق حیات؛



- مسابقه تسلیحاتی را کاهش دهند؛
- اختلافات را مسالمت‌آمیز حل کنند؛
- و شرایط لازم برای صلح را فراهم آورند.
- نقاط ضعف اعلامیه
- با وجود اهمیت زیاد، این اعلامیه دارای محدودیت‌هایی نیز بود:
- نخست اینکه الزام‌آور نبود.
- دوم اینکه بیشتر بر ملت‌ها تأکید داشت تا افراد.
- اما با این حال، سنگ بنای توسعه بعدی حق بر صلح محسوب می‌شود.
- ۲-۶. اعلامیه حق بر صلح مصوب ۲۰۱۶
- پس از سال‌ها بحث و مذاکره، مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۶
- «اعلامیه حق بر صلح» را تصویب کرد.
- این سند جدیدترین و مهم‌ترین متن بین‌المللی در زمینه حق بر صلح
- محسوب می‌شود.
- ماده نخست اعلامیه
- ماده ۱ مقرر می‌دارد:
- هر فرد حق دارد از صلح برخوردار شود به گونه‌ای که تمامی حقوق بشر
- و توسعه به طور کامل تحقق یابد.
- این ماده اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.
- زیرا:
- برای نخستین بار فرد انسان در مرکز حق بر صلح قرار گرفته است.
- تحول مفهومی
- اعلامیه ۲۰۱۶ صلح را صرفاً فقدان جنگ نمی‌داند.
- بلکه آن را با:
- حقوق بشر؛
- توسعه؛
- عدالت؛
- امنیت انسانی؛ پیوند می‌دهد.
- ۲-۷. حق بر صلح و حقوق همبستگی (نسل سوم حقوق بشر)
- در ادبیات حقوق بشر، معمولاً حقوق بشر به سه نسل تقسیم می‌شوند.
- نسل اول
- حقوق مدنی و سیاسی:
- حق حیات
- آزادی بیان
- آزادی مذهب
- نسل دوم
- حقوق اقتصادی و اجتماعی:
- حق کار
- حق آموزش
- حق سلامت
- نسل سوم
- حقوق همبستگی:
- حق توسعه
- حق محیط زیست سالم
- حق بر میراث مشترک بشریت
- و حق بر صلح
- ویژگی حقوق نسل سوم
- این حقوق دارای سه ویژگی مهم هستند:
- نخست
- تحقق آن‌ها نیازمند همکاری بین‌المللی است.
- دوم



دارندگان آن هم افراد و هم ملت‌ها هستند.

فصل سوم:

سوم

مبانی فلسفی، اخلاقی و نظری حق بر صلح

اجرای آن‌ها بدون مشارکت جامعه جهانی امکان‌پذیر نیست.

۸-۲. رویه دیوان بین‌المللی دادگستری و حق بر صلح

اگرچه International Court of Justice تاکنون مستقیماً حق بر

صلح را به عنوان یک حق مستقل شناسایی نکرده است، اما در آرای مختلف خود بر اهمیت صلح تأکید نموده است.

نظریه مشورتی سلاح‌های هسته‌ای (۱۹۹۶)

دیوان اعلام کرد که:

بقا و حیات بشریت از ارزش‌های بنیادین حقوق بین‌الملل است.

این رأی ارتباط نزدیکی با مفهوم حق بر صلح دارد.

پرونده نیکاراگوئه

دیوان در این پرونده اصل منع توسل به زور را مورد تأکید قرار داد.

این اصل یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی حق بر صلح محسوب می‌شود.

جمع‌بندی فصل دوم:

بررسی اسناد و قواعد حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که اگرچه حق بر

صلح هنوز به عنوان یک حق کاملاً الزام‌آور و مستقل در همه نظام‌های

حقوقی پذیرفته نشده است، اما روند تحول حقوق بین‌الملل به روشنی در

جهت شناسایی و تقویت این حق حرکت می‌کند.

منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاقین، اعلامیه ۱۹۸۴

حق ملت‌ها به صلح و اعلامیه ۲۰۱۶ حق بر صلح همگی نشان می‌دهند

که صلح دیگر صرفاً یک آرمان سیاسی نیست، بلکه به تدریج به یکی از

مهم‌ترین حقوق بنیادین بشریت تبدیل شده است.

از نظریه جنگ عادلانه تا صلح پایدار و حقوق بشر جهانی

۱-۳. مقدمه

هر قاعده حقوقی پیش از آنکه به یک سند یا معاهده تبدیل شود، ریشه در اندیشه‌های فلسفی، اخلاقی و اجتماعی دارد. «حق بر صلح» نیز از این قاعده مستثنی نیست. در واقع، حق بر صلح پیش از آنکه وارد ادبیات حقوق بین‌الملل و اسناد سازمان ملل شود، موضوع بحث فیلسوفان، متفکران دینی، نظریه‌پردازان اخلاق و اندیشمندان روابط بین‌الملل بوده است.

امروزه وقتی از حق بر صلح سخن می‌گوییم، در حقیقت درباره یکی از بنیادی‌ترین نیازهای بشری صحبت می‌کنیم؛ نیازی که با حیات، امنیت، کرامت و آینده انسان پیوند خورده است. اما برای درک صحیح جایگاه حقوقی این حق، باید ابتدا مبانی نظری آن را بشناسیم.

حق بر صلح بر سه پایه اصلی استوار است:

۱. مبانی فلسفی؛

۲. مبانی اخلاقی؛

۳. مبانی انسانی و حقوق بشری.

۲-۳. صلح در اندیشه فلسفی یونان باستان

بحث درباره صلح و جنگ از دوران باستان آغاز شده است.

در اندیشه یونان باستان، جنگ و صلح دو واقعیت جدایی‌ناپذیر زندگی سیاسی تلقی می‌شدند. با این حال بسیاری از متفکران یونانی تلاش کردند شرایطی را تعریف کنند که در آن جامعه انسانی بتواند به نظم و آرامش دست یابد.



• دیدگاه افلاطون

• هدف آن باید برقراری عدالت باشد؛

• و خشونت باید محدود و متناسب باشد.

توماس آکویناس

Thomas Aquinas این نظریه را توسعه داد و سه شرط اصلی را مطرح نمود:

اول: مشروعیت مرجع تصمیم گیرنده

تنها حکومت مشروع می تواند تصمیم به جنگ بگیرد.

دوم: علت عادلانه

جنگ باید برای دفاع یا رفع ظلم باشد.

سوم: نیت صحیح

هدف اصلی باید برقراری عدالت و صلح باشد.

تأثیر بر حقوق بین الملل

هرچند نظریه جنگ عادلانه در گذشته بر مشروعیت جنگ تمرکز داشت، اما به تدریج به محدود سازی جنگ و حمایت از صلح منجر شد.

در واقع، هرچه شرایط مشروعیت جنگ محدودتر شد، اهمیت صلح افزایش یافت.

۳-۴. نظریه صلح پایدار ایمانوئل کانت

یکی از مهم ترین آثار تاریخ فلسفه سیاسی، کتاب:

Perpetual Peace

نوشته فیلسوف آلمانی Immanuel Kant است.

اهمیت تاریخی کتاب

بسیاری از پژوهشگران، کانت را پدر فکری حقوق بین الملل مدرن می دانند.

او نخستین متفکری بود که طرحی جامع برای صلح جهانی ارائه کرد.

ایده های اصلی کانت

کانت معتقد بود:

Plato معتقد بود که عدالت، مهم ترین شرط صلح است.

از نظر او، جامعه ای که در آن عدالت برقرار نباشد، دیر یا زود گرفتار آشوب، خشونت و نزاع خواهد شد.

بنابراین، صلح محصول عدالت است.

این دیدگاه هنوز نیز در ادبیات حقوق بشر معاصر دیده می شود؛ زیرا بسیاری از صاحب نظران معتقدند که بدون عدالت، صلح پایدار امکان پذیر نیست.

دیدگاه ارسطو

Aristotle جنگ را هدف نهایی زندگی سیاسی نمی دانست.

او معتقد بود:

هدف جنگ، دستیابی به صلح است.

هرچند این دیدگاه امروزه با انتقادهای جدی مواجه شده است، اما نشان می دهد که حتی در فلسفه کلاسیک نیز صلح به عنوان وضعیت مطلوب زندگی انسانی شناخته می شد.

۳-۳. نظریه جنگ عادلانه و تأثیر آن بر حق بر صلح

یکی از مهم ترین نظریه های تأثیرگذار در حقوق بین الملل، نظریه جنگ عادلانه (Just War Theory) است.

این نظریه تلاش می کند مشخص کند که چه زمانی توسل به جنگ ممکن است از لحاظ اخلاقی و حقوقی مشروع تلقی شود.

سنت آگوستین

Augustine of Hippo از نخستین متفکرانی بود که نظریه جنگ عادلانه را مطرح کرد.

وی معتقد بود:

• جنگ باید آخرین راه حل باشد؛



- دولت‌های قانون‌مدار
- کشورهایی که دارای حکومت‌های مبتنی بر قانون هستند، کمتر به جنگ متوسل می‌شوند.
- همکاری بین‌المللی
- کشورها باید در قالب نهادهای بین‌المللی همکاری کنند.
- احترام به انسان
- انسان نباید وسیله‌ای برای اهداف سیاسی باشد.
- ارتباط با حق بر صلح
- بسیاری از اصول مطرح شده توسط کانت بعدها در:
- منشور سازمان ملل؛
 - حقوق بشر؛
 - و مفهوم حق بر صلح منعکس شدند.
- ۳-۵. صلح در اندیشه اسلامی
- یکی از مهم‌ترین مبانی نظری حق بر صلح، آموزه‌های اسلامی است.
- اسلام از همان آغاز، صلح را به عنوان یک ارزش بنیادین معرفی کرده است.
- مفهوم صلح در قرآن
- واژه‌هایی مانند:
- سلم
 - سلام
 - اصلاح
 - احسان بارها در قرآن کریم تکرار شده‌اند.
- خداوند در قرآن می‌فرماید:
- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً»
- یعنی:
- «ای مؤمنان، همگی در صلح و آشتی وارد شوید.»
- اصل منع تجاوز
- در قرآن کریم آمده است:
- «وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»
- این اصل شباهت قابل توجهی با اصل منع توسل به زور در منشور سازمان ملل دارد.
- صلح به عنوان اصل
- در فقه اسلامی:
- جنگ استثناست؛
 - صلح اصل است.
- این موضوع اهمیت فراوانی در تحلیل حق بر صلح از منظر حقوق تطبیقی دارد.
- ۳-۶. نظریه صلح مثبت و صلح منفی
- یکی از مهم‌ترین تحولات معاصر توسط جامعه‌شناس برجسته صلح:
- Johan Galtung ارائه شد.
- صلح منفی
- صلح منفی یعنی:
- نبود جنگ و خشونت مستقیم.
- این همان تعریفی است که در گذشته رایج بود.
- صلح مثبت
- صلح مثبت به معنای:
- عدالت اجتماعی؛
 - برابری؛
 - توسعه؛
 - احترام به حقوق بشر؛



می‌شود.

۸-۳. حق بر صلح و کرامت انسانی

تمام نظام حقوق بشر بر اصل کرامت انسانی استوار است.

کرامت انسانی به این معناست که:

هر انسان صرف‌نظر از نژاد، جنسیت، مذهب یا ملیت دارای ارزش ذاتی است.

جنگ و نقض کرامت انسانی

جنگ:

• جان انسان‌ها را می‌گیرد؛

• خانواده‌ها را از هم می‌پاشد؛

• کودکان را قربانی می‌کند؛

• و انسان را به ابزار خشونت تبدیل می‌کند.

در نتیجه، جنگ با اصل کرامت انسانی در تعارض مستقیم قرار دارد.

صلح و تحقق کرامت

برعکس، صلح شرایطی را فراهم می‌کند که در آن:

• آزادی‌ها شکوفا شوند؛

• استعدادها رشد کنند؛

• و انسان بتواند زندگی شایسته‌ای داشته باشد.

بنابراین، حق بر صلح را می‌توان امتداد منطقی اصل کرامت انسانی دانست.

۹-۳. جهانی‌شدن و ضرورت حق بر صلح

در عصر جهانی‌شدن، جنگ دیگر یک مسئله داخلی یا منطقه‌ای نیست.

یک جنگ می‌تواند:

• اقتصاد جهانی را مختل کند؛

• امنیت غذایی را تهدید کند؛

• مهاجرت‌های گسترده ایجاد کند؛

• و رفع تبعیض است.

اهمیت برای حق بر صلح

اعلامیه حق بر صلح ۲۰۱۶ سازمان ملل بر همین برداشت مبتنی است.

امروزه صلح تنها به معنای خاموش شدن سلاح‌ها نیست.

صلح یعنی فراهم شدن شرایط زندگی شرافتمندانه برای انسان‌ها.

۷-۳. حق بر صلح و نظریه امنیت انسانی

پس از پایان جنگ سرد، مفهوم جدیدی وارد ادبیات بین‌المللی شد:

امنیت انسانی (Human Security)

برخلاف امنیت سنتی که بر دولت‌ها تمرکز داشت، امنیت انسانی بر

انسان‌ها تمرکز می‌کند.

ابعاد امنیت انسانی

امنیت انسانی شامل:

• امنیت اقتصادی؛

• امنیت غذایی؛

• امنیت بهداشتی؛

• امنیت زیست‌محیطی؛

• امنیت فردی؛

• امنیت سیاسی؛ است.

ارتباط با حق بر صلح

اگر فردی:

• از گرسنگی رنج ببرد؛

• قربانی خشونت باشد؛

• یا از حقوق خود محروم شود؛

نمی‌توان گفت که از حق بر صلح برخوردار است.

به همین دلیل، امنیت انسانی یکی از ارکان نظری حق بر صلح محسوب



در واقع، حق بر صلح نه یک حق منفرد و جداگانه، بلکه «حقی پیونددهنده» است که تحقق بسیاری از حقوق بنیادین بشر به آن وابسته است.

۲-۴. جایگاه حق بر صلح در معماری حقوق بشر معاصر یکی از مباحث مهم در ادبیات حقوق بشر این است که حق بر صلح در کدام دسته از حقوق بشر قرار می‌گیرد. بسیاری از حقوقدانان، حق بر صلح را در زمره «حقوق همبستگی» یا «نسل سوم حقوق بشر» طبقه‌بندی می‌کنند. اما اهمیت این حق فراتر از یک طبقه‌بندی ساده است. زیرا برخلاف بسیاری از حقوق دیگر، صلح هم پیش‌شرط بهره‌مندی از حقوق بشر است و هم نتیجه احترام به حقوق بشر. به بیان دیگر:

- صلح، زمینه اجرای حقوق بشر است.
- حقوق بشر، زمینه پایداری صلح است.

این رابطه دوطرفه یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد حق بر صلح محسوب می‌شود.

۳-۴. حق بر صلح و حق حیات
حق حیات؛ مادر تمامی حقوق بشر
در نظام حقوق بشر بین‌المللی، حق حیات بنیادی‌ترین حق بشری محسوب می‌شود.
ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر حمایت از حق حیات تأکید دارند.
بدیهی است که بزرگ‌ترین تهدید علیه حق حیات، جنگ است.
جنگ و نقض گسترده حق حیات
در طول قرن بیستم بیش از صد میلیون انسان در جنگ‌ها جان خود را از

• و حتی محیط زیست جهانی را نابود سازد.
به همین دلیل، صلح به یک منفعت مشترک جهانی تبدیل شده است.
جمع‌بندی فصل سوم:

مطالعه مبانی فلسفی، اخلاقی و نظری حق بر صلح نشان می‌دهد که این حق صرفاً یک مفهوم حقوقی جدید نیست، بلکه ریشه در عمیق‌ترین سنت‌های فکری، دینی و انسانی دارد. از افلاطون و ارسطو تا کانت، از آموزه‌های اسلامی تا نظریه‌های معاصر امنیت انسانی، همگی بر این حقیقت تأکید دارند که صلح شرط لازم برای شکوفایی انسان و تحقق عدالت است. به همین دلیل، حق بر صلح را می‌توان یکی از طبیعی‌ترین و بنیادین‌ترین حقوق بشر در عصر حاضر دانست.

فصل چهارم:

حق بر صلح در نظام حقوق بشر بین‌المللی

جایگاه، ابعاد و ارتباط آن با سایر حقوق بنیادین بشر

۱-۴. مقدمه

یکی از مهم‌ترین تحولات حقوق بین‌الملل پس از جنگ جهانی دوم، شکل‌گیری نظام بین‌المللی حقوق بشر بود. تجربه تلخ دو جنگ جهانی نشان داد که صلح، امنیت و حقوق بشر سه مفهوم جدا از هم نیستند، بلکه به صورت زنجیره‌ای و متقابل به یکدیگر وابسته‌اند.
امروزه کمتر حقوقدانی تردید دارد که بدون صلح، بهره‌مندی واقعی از حقوق بشر امکان‌پذیر نیست. همان‌گونه که نقض گسترده حقوق بشر نیز خود می‌تواند زمینه‌ساز جنگ، خشونت و بی‌ثباتی شود. از این رو، حق بر صلح را باید در بستر گسترده‌تر نظام حقوق بشر بین‌المللی تحلیل کرد.



• و انسان را از جایگاه شایسته خود خارج می‌سازد.

در بسیاری از جنگ‌ها، انسان نه به عنوان یک موجود دارای کرامت، بلکه به عنوان یک ابزار نظامی دیده می‌شود.

صلح و شکوفایی کرامت

در مقابل، صلح شرایطی را فراهم می‌کند که انسان بتواند:

- آزادانه زندگی کند؛
- آموزش ببیند؛
- مشارکت سیاسی داشته باشد؛
- و استعدادهای خود را شکوفا سازد.

بنابراین، حق بر صلح ارتباطی مستقیم با اصل کرامت انسانی دارد.

۴-۵. حق بر صلح و حق توسعه

یکی از مهم‌ترین تحولات حقوق بین‌الملل معاصر، شناسایی «حق توسعه» است.

اعلامیه حق توسعه مصوب ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل توسعه را یک حق بنیادین بشری معرفی می‌کند.

رابطه میان جنگ و عقب‌ماندگی

جنگ معمولاً موجب:

- نابودی زیرساخت‌ها؛
- کاهش سرمایه‌گذاری؛
- افزایش فقر؛
- تخریب نظام آموزشی؛
- و تضعیف نظام سلامت می‌شود. بنابراین، توسعه و جنگ با یکدیگر ناسازگار هستند.

صلح؛ بستر توسعه

کشورهایی که از صلح پایدار برخوردارند معمولاً:

دست داده‌اند.

جنگ‌های جهانی، نسل‌کشی‌ها، پاکسازی‌های قومی و مخاصمات داخلی نشان داده‌اند که جنگ مهم‌ترین دشمن حق حیات است.

نمونه‌های معاصر نیز این واقعیت را تأیید می‌کنند:

- جنگ در Ukraine؛
- بحران انسانی در Gaza Strip؛
- جنگ‌های داخلی در بخش‌هایی از آفریقا؛
- و منازعات مسلحانه در مناطق مختلف جهان. همگی آثار مستقیم بر حق حیات دارند.

صلح؛ شرط اجرای حق حیات

اگر حق حیات را بنیادی‌ترین حق بشر بدانیم، باید بپذیریم که صلح مهم‌ترین تضمین‌کننده آن است.

در واقع، حق بر صلح را می‌توان یکی از ابزارهای حفاظتی حق حیات تلقی کرد.

۴-۴. حق بر صلح و حق کرامت انسانی

اساس حقوق بشر بر اصل کرامت انسانی استوار است.

کرامت انسانی یعنی اینکه هر انسان صرفاً به دلیل انسان بودن دارای ارزش ذاتی است.

جنگ و تحقیر کرامت انسانی

جنگ تنها موجب مرگ انسان‌ها نمی‌شود.

بلکه:

- موجب آوارگی می‌شود؛
- خانواده‌ها را از هم می‌پاشد؛
- کودکان را بی‌سرپرست می‌کند؛
- زنان را در معرض خشونت قرار می‌دهد؛



- رشد اقتصادی بیشتری دارند؛
- سطح رفاه بالاتری دارند؛
- و شاخص‌های انسانی مطلوب‌تری را تجربه می‌کنند.
- به همین دلیل، بسیاری از اسناد سازمان ملل توسعه و صلح را دو روی یک سکه می‌دانند.
- ۴-۶. حق بر صلح و حقوق کودکان
- کودکان از آسیب‌پذیرترین قربانیان جنگ هستند.
- بر اساس گزارش‌های بین‌المللی، میلیون‌ها کودک در سراسر جهان تحت تأثیر مخاصمات مسلحانه قرار دارند.
- آثار جنگ بر کودکان
- جنگ می‌تواند موجب:
 - مرگ کودکان؛
 - سوء تغذیه؛
 - ترک تحصیل؛
 - آوارگی؛
 - آسیب‌های روانی؛
 - و حتی به‌کارگیری کودکان در مخاصمات شود.
- کنوانسیون حقوق کودک
- UNICEF و جامعه بین‌المللی همواره بر حمایت ویژه از کودکان تأکید کرده‌اند.
- مطابق Convention on the Rights of the Child، کودکان حق دارند در محیطی امن، آرام و عاری از خشونت رشد کنند.
- تحقق این حق بدون صلح امکان‌پذیر نیست.
- ۴-۷. حق بر صلح و حقوق زنان
- تجربه جنگ‌های معاصر نشان داده است که زنان از مهم‌ترین قربانیان
- مخاصمات مسلحانه هستند.
- پیامدهای جنگ برای زنان
- جنگ موجب:
 - افزایش خشونت جنسی؛
 - ازدواج اجباری؛
 - بی‌سرپرستی خانوارها؛
 - فقر گسترده؛
 - و آسیب‌های روانی می‌شود.
- قطعنامه ۱۳۲۵ شورای امنیت
- United Nations Security Council با تصویب قطعنامه ۱۳۲۵
- درباره زنان، صلح و امنیت، نقش زنان را در فرآیندهای صلح به رسمیت شناخت.
- این قطعنامه نقطه عطفی در ارتباط میان حقوق زنان و صلح محسوب می‌شود.
- ۴-۸. حق بر صلح و حق بر محیط زیست سالم
- در دهه‌های اخیر، ارتباط میان محیط زیست و صلح اهمیت فراوانی یافته است.
- جنگ و تخریب محیط زیست
- جنگ‌ها می‌توانند:
 - منابع آب را نابود کنند؛
 - خاک را آلوده سازند؛
 - جنگل‌ها را تخریب کنند؛
 - و تنوع زیستی را از بین ببرند.
- نمونه‌های تاریخی متعددی وجود دارند که آثار زیست‌محیطی آن‌ها دهه‌ها باقی مانده است.



محیط زیست و امنیت انسانی

امروزه بسیاری از پژوهشگران معتقدند که محیط زیست سالم یکی از عناصر اصلی صلح پایدار است.

زیرا تخریب محیط زیست می تواند خود به منبع درگیری های آینده تبدیل شود.

۴-۹. حق بر صلح و امنیت انسانی

مفهوم امنیت انسانی یکی از مهم ترین تحولات نظری پس از جنگ سرد است.

در این دیدگاه، موضوع اصلی امنیت نه دولت بلکه انسان است.

ابعاد امنیت انسانی

امنیت انسانی شامل:

• امنیت اقتصادی؛

• امنیت غذایی؛

• امنیت بهداشتی؛

• امنیت فردی؛

• امنیت اجتماعی؛

• امنیت سیاسی؛ است.

جایگاه صلح

تمامی ابعاد امنیت انسانی به صلح وابسته اند.

اگر جامعه ای درگیر جنگ باشد، تقریباً تمامی مؤلفه های امنیت انسانی تضعیف می شوند.

بنابراین، حق بر صلح را می توان یکی از ارکان اساسی امنیت انسانی دانست.

۴-۱۰. حق بر صلح و اهداف توسعه پایدار

در سال ۲۰۱۵، سازمان ملل اهداف هفده گانه توسعه پایدار را تصویب کرد.

در میان این اهداف، هدف شانزدهم اهمیت ویژه ای دارد.

هدف ۱۶ توسعه پایدار

این هدف بر:

• صلح؛

• عدالت؛

• نهادهای کارآمد؛

• و حکومت داری مطلوب تأکید می کند.

اهمیت هدف ۱۶

این هدف نشان می دهد که جامعه بین المللی صلح را نه صرفاً یک موضوع

امنیتی، بلکه بخشی از فرآیند توسعه پایدار می داند.

در واقع:

بدون صلح، توسعه پایدار ممکن نیست.

و بدون توسعه پایدار نیز صلح پایدار شکل نخواهد گرفت.

۴-۱۱. حق بر صلح به عنوان «حق مادر»

برخی از اندیشمندان معاصر معتقدند که حق بر صلح را می توان «حق مادر» نامید.

زیرا بسیاری از حقوق دیگر در سایه آن معنا پیدا می کنند.

اگر جنگ و خشونت حاکم باشد:

• حق آموزش تضعیف می شود؛

• حق سلامت آسیب می بیند؛

• حق توسعه از بین می رود؛

• و حتی حق حیات تهدید می شود. بنابراین، صلح به نوعی بستر تحقق سایر حقوق بشر است.

جمع بندی فصل چهارم:

بررسی نظام حقوق بشر بین المللی نشان می دهد که حق بر صلح دارای



۵-۲. سازمان ملل متحد؛ مهم‌ترین نهاد جهانی حمایت از صلح بدون تردید مهم‌ترین بازیگر بین‌المللی در حوزه صلح، United Nations است.

اساساً فلسفه تاسیس سازمان ملل متحد پس از جنگ جهانی دوم بر جلوگیری از وقوع جنگ‌های جدید استوار بود.

اهداف منشور ملل متحد

مطابق ماده ۱ منشور، مهم‌ترین هدف سازمان عبارت است از:

حفظ صلح و امنیت بین‌المللی.

این هدف از طریق ابزارهای مختلف دنبال می‌شود:

- پیشگیری از مخاصمات؛
- میانجی‌گری؛

- حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات؛

- اعزام نیروهای حافظ صلح؛

- اعمال تحریم‌ها؛

- و در موارد خاص اقدامات اجرایی.

سازمان ملل و هنجارسازی حق بر صلح

سازمان ملل تنها یک نهاد امنیتی نیست.

این سازمان نقش مهمی در توسعه تدریجی مفهوم حق بر صلح نیز داشته است.

از جمله:

- اعلامیه حق ملت‌ها به صلح (۱۹۸۴)

- اعلامیه حق بر صلح (۲۰۱۶)

- برنامه فرهنگ صلح

- اهداف توسعه پایدار همگی در چارچوب فعالیت‌های سازمان ملل شکل

گرفته‌اند.

پیوندی عمیق و چندلایه با تمامی حقوق بنیادین بشر است. حق حیات، کرامت انسانی، حق توسعه، حقوق کودکان، حقوق زنان، محیط زیست سالم و امنیت انسانی همگی به گونه‌ای مستقیم یا غیرمستقیم به وجود صلح وابسته‌اند. از این رو، حق بر صلح را نمی‌توان صرفاً یک حق سیاسی یا امنیتی دانست؛ بلکه باید آن را یکی از بنیادی‌ترین حقوق بشر معاصر و شرط ضروری تحقق بسیاری از حقوق دیگر تلقی کرد.

فصل پنجم:

نقش سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و نهادهای جهانی در تحقق حق بر صلح

از مسئولیت جمعی جامعه بین‌المللی تا تعهد دولت‌ها در تضمین صلح پایدار

۵-۱. مقدمه

حق بر صلح، برخلاف بسیاری از حقوق فردی، صرفاً با اقدام یک دولت یا یک نهاد قابل تحقق نیست. ماهیت این حق به گونه‌ای است که اجرای آن نیازمند همکاری مستمر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای منطقه‌ای، جامعه مدنی، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و حتی شهروندان عادی است. یکی از ویژگی‌های مهم حق بر صلح آن است که این حق در زمره «حقوق همبستگی» قرار می‌گیرد؛ یعنی حقوقی که تحقق آن‌ها نیازمند مشارکت جمعی جامعه جهانی است. همان‌گونه که حفظ محیط زیست جهانی یا مقابله با تغییرات اقلیمی به همکاری همگانی نیاز دارد، صلح نیز بدون همکاری و مسئولیت‌پذیری مشترک قابل تحقق نیست.

در واقع، صلح یک مسئولیت مشترک بشری است.



مهم‌ترین مزیت شورای امنیت آن است که تصمیمات آن برای دولت‌ها الزام‌آور است.

چالش‌های موجود

با وجود این، شورا با انتقادهای جدی مواجه است.

از جمله:

حق وتو

حق وتوی اعضای دائم باعث شده است که در برخی بحران‌ها شورا نتواند اقدام مؤثری انجام دهد.

برخوردهای سیاسی

گاهی منافع قدرت‌های بزرگ بر تصمیمات شورا تأثیر می‌گذارد.

این مسئله یکی از موانع تحقق کامل حق بر صلح محسوب می‌شود.

۵-۵. شورای حقوق بشر و حق بر صلح

یکی از مهم‌ترین نهادهای مرتبط با موضوع این پژوهش:

United Nations Human Rights Council است.

نقش شورای حقوق بشر

این شورا تلاش کرده است رابطه میان:

- حقوق بشر؛

- توسعه؛

- و صلح را برجسته سازد.

تدوین اعلامیه حق بر صلح

فرآیند تدوین اعلامیه ۲۰۱۶ تا حد زیادی در چارچوب فعالیت‌های شورای حقوق بشر انجام شد.

این شورا نقش مهمی در توسعه گفتمان حق بر صلح ایفا کرده است.

۵-۶. دیوان بین‌المللی دادگستری و تحکیم صلح

International Court of Justice مهم‌ترین رکن قضایی سازمان

۵-۳. مجمع عمومی و توسعه مفهوم حق بر صلح

اگرچه تصمیمات مجمع عمومی معمولاً الزام‌آور نیستند، اما نقش بسیار

مهمی در توسعه حقوق بین‌الملل دارند.

نقش هنجارساز مجمع عمومی

بسیاری از قواعد مهم حقوق بین‌الملل ابتدا در قالب اعلامیه‌های مجمع

عمومی مطرح شده‌اند.

نمونه‌ها:

- اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

- اعلامیه حق توسعه (۱۹۸۶)

- اعلامیه حق بر صلح (۲۰۱۶)

اعلامیه ۲۰۱۶ و اهمیت آن

تصویب اعلامیه حق بر صلح در سال ۲۰۱۶ نشان داد که جامعه بین‌المللی

به تدریج در حال پذیرش صلح به عنوان یک حق بشری است.

این سند هرچند الزام‌آور نیست، اما ارزش هنجاری و اخلاقی بسیار بالایی

دارد.

۵-۴. شورای امنیت و مسئولیت حفظ صلح

مطابق منشور، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر عهده:

United Nations Security Council قرار گرفته است.

اختیارات شورای امنیت

شورای امنیت می‌تواند:

- تهدید علیه صلح را شناسایی کند؛

- تحریم‌های اقتصادی وضع کند؛

- عملیات حافظ صلح را تصویب نماید؛

- و در شرایط خاص استفاده از زور را مجاز اعلام کند.

نقاط قوت



اهمیت برای حق بر صلح
نیروهای حافظ صلح یکی از مهم‌ترین ابزارهای عملی سازمان ملل برای
تحقق صلح پایدار محسوب می‌شوند.
۸-۵. نقش سازمان‌های منطقه‌ای
علاوه بر سازمان ملل متحد، سازمان‌های منطقه‌ای نیز نقش مهمی در
حمایت از صلح دارند.
اتحادیه آفریقا
African Union در سال‌های اخیر نقش مهمی در مدیریت بحران‌های
آفریقایی ایفا کرده است.
اتحادیه اروپا
European Union یکی از موفق‌ترین نمونه‌های همکاری منطقه‌ای
برای جلوگیری از جنگ محسوب می‌شود.
کشورهایی که قرن‌ها با یکدیگر جنگیده بودند، امروزه در قالب یک ساختار
مشترک همکاری می‌کنند.
سازمان کشورهای آمریکایی
Organization of American States نیز در حوزه پیشگیری از
منازعات و تقویت دموکراسی فعالیت دارد.
۹-۵. مسئولیت دولت‌ها در تحقق حق بر صلح
اگرچه سازمان‌های بین‌المللی اهمیت فراوانی دارند، اما مسئولیت اصلی
همچنان بر عهده دولت‌ها است.
تعهد به حل مسالمت‌آمیز اختلافات
مطابق منشور سازمان ملل، دولت‌ها موظف‌اند اختلافات خود را از راه‌های
مسالمت‌آمیز حل کنند.
احترام به حقوق بشر
یکی از مهم‌ترین راه‌های حفظ صلح، احترام به حقوق بشر است.

ملل متحد است.
نقش قضایی در صلح
دیوان از طریق:
• حل اختلافات میان دولت‌ها؛
• ارائه نظریات مشورتی؛
• تفسیر قواعد حقوق بین‌الملل؛ به حفظ صلح کمک می‌کند.
اهمیت حل و فصل قضایی اختلافات
هر اختلافی که از طریق حقوق حل شود، احتمال تبدیل شدن آن به
جنگ کاهش می‌یابد.
بنابراین، دیوان بین‌المللی دادگستری یکی از ابزارهای غیرمستقیم تحقق
حق بر صلح است.
۷-۵. نیروهای حافظ صلح سازمان ملل
یکی از شناخته‌شده‌ترین فعالیت‌های سازمان ملل، عملیات حفظ صلح
است.
فلسفه عملیات حافظ صلح
نیروهای حافظ صلح معمولاً در مناطقی مستقر می‌شوند که:
• جنگ پایان یافته؛
• آتش‌بس برقرار شده؛
• یا روند صلح آغاز شده است.
وظایف نیروهای حافظ صلح
این نیروها معمولاً:
• از غیرنظامیان حمایت می‌کنند؛
• اجرای آتش‌بس را نظارت می‌کنند؛
• از برگزاری انتخابات حمایت می‌کنند؛
• و به بازسازی نهادهای دولتی کمک می‌نمایند.



- زیرا نقض گسترده حقوق بشر می تواند زمینه ساز بی ثباتی و خشونت شود.
- توسعه اقتصادی و اجتماعی دولت ها باید:
- فقر را کاهش دهند؛
 - فرصت های برابر ایجاد کنند؛
 - عدالت اجتماعی را تقویت نمایند. این اقدامات از عوامل مهم صلح پایدار هستند.
- ۵-۱۰. نقش جامعه مدنی و دانشگاه ها
- صلح تنها از طریق دولت ها محقق نمی شود.
- جامعه مدنی نیز نقش تعیین کننده ای دارد.
- سازمان های مردم نهاد
- سازمان های غیردولتی می توانند:
- فرهنگ صلح را ترویج کنند؛
 - آموزش حقوق بشر ارائه دهند؛
 - و میان گروه های مختلف گفت و گو ایجاد کنند.
- دانشگاه ها
- دانشگاه ها نیز مسئولیت بزرگی دارند.
- زیرا:
- پژوهش های علمی؛
 - آموزش حقوق بشر؛
 - توسعه مطالعات صلح؛
- همگی می توانند به شکل گیری فرهنگ صلح کمک کنند.
- ۵-۱۱. رسانه ها و حق بر صلح
- در عصر ارتباطات، رسانه ها تأثیر عمیقی بر صلح و جنگ دارند.
- نقش مثبت رسانه ها
- رسانه ها می توانند:
- آگاهی عمومی را افزایش دهند؛
 - گفت و گو را تقویت کنند؛
 - و از نفرت پراکنی جلوگیری نمایند.
- خطر رسانه های مخرب
- در مقابل، رسانه هایی که:
- خشونت را ترویج می کنند؛
 - اخبار جعلی منتشر می کنند؛
 - یا نفرت قومی و مذهبی را گسترش می دهند؛ می توانند به تهدیدی برای صلح تبدیل شوند.
- ۵-۱۲. مسئولیت فردی شهروندان در تحقق صلح
- یکی از تحولات مهم معاصر آن است که صلح دیگر صرفاً وظیفه دولت ها تلقی نمی شود.
- هر شهروند نیز در برابر صلح مسئولیت دارد.
- جلوه های مسئولیت فردی
- شهروندان می توانند:
- به حقوق دیگران احترام بگذارند؛
 - فرهنگ مدارا را ترویج کنند؛
 - از خشونت پرهیز نمایند؛
 - و در فعالیتهای صلح طلبانه مشارکت داشته باشند.
- صلح از خانواده آغاز می شود
- صلح جهانی بدون صلح در:
- خانواده؛
 - مدرسه؛
 - جامعه محلی؛ قابل تحقق نیست.



به همین دلیل بسیاری از پژوهشگران از مفهوم «فرهنگ صلح» سخن می‌گویند.

جمع‌بندی فصل پنجم

حق بر صلح یکی از حقوقی است که تحقق آن مستلزم همکاری چندسطحی و چندبازیگری است. سازمان ملل متحد، شورای امنیت، شورای حقوق بشر، دیوان بین‌المللی دادگستری، سازمان‌های منطقه‌ای، دولت‌ها، جامعه مدنی، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و شهروندان همگی در این مسیر نقش دارند. تجربه تاریخی نشان داده است که صلح پایدار نه از طریق قدرت نظامی، بلکه از طریق همکاری، عدالت، گفت‌وگو، توسعه و احترام به کرامت انسانی حاصل می‌شود.

فصل ششم:

چالش‌ها و موانع تحقق حق بر صلح در قرن بیست و یکم

بررسی تهدیدهای سنتی و نوظهور علیه صلح و امنیت انسانی

۱-۶. مقدمه

اگرچه جامعه بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم موفق شد قواعد و نهادهای مهمی برای حفظ صلح ایجاد کند، اما واقعیت‌های قرن بیست و یکم نشان می‌دهد که تحقق حق بر صلح همچنان با موانع جدی مواجه است.

امروزه جهان در شرایطی متناقض قرار دارد. از یک سو، پیشرفت‌های علمی، فناوری، حقوقی و اقتصادی بی‌سابقه‌ای حاصل شده است و از سوی دیگر، جنگ‌ها، بحران‌های انسانی، رقابت‌های ژئوپلیتیکی، تروریسم، نابرابری‌های اقتصادی و تهدیدهای زیست‌محیطی همچنان امنیت و صلح

جهانی را تهدید می‌کنند.

به همین دلیل، بررسی چالش‌های معاصر حق بر صلح یکی از ضروری‌ترین مباحث حقوق بین‌الملل و حقوق بشر است.

۲-۶. جنگ‌های مسلحانه؛ مهم‌ترین تهدید علیه حق بر صلح

مهم‌ترین دشمن حق بر صلح همچنان جنگ است.

اگرچه منشور سازمان ملل استفاده از زور را ممنوع کرده است، اما جهان هنوز شاهد وقوع جنگ‌های متعدد است.

جنگ‌های بین‌المللی

در برخی موارد، دولت‌ها همچنان از زور نظامی برای حل اختلافات استفاده می‌کنند.

این جنگ‌ها نه تنها جان هزاران انسان را تهدید می‌کنند، بلکه آثار آن‌ها گاه دهه‌ها باقی می‌ماند.

جنگ‌های داخلی

بسیاری از مخاصمات معاصر ماهیت داخلی دارند.

در این نوع جنگ‌ها:

• زیرساخت‌ها نابود می‌شوند؛

• دولت‌ها تضعیف می‌شوند؛

• و جمعیت‌های غیرنظامی بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند.

پیامدهای حقوق بشری جنگ

جنگ معمولاً منجر به:

• نقض حق حیات؛

• آوارگی گسترده؛

• نقض حقوق کودکان؛

• خشونت علیه زنان؛

• و بحران‌های انسانی می‌شود.



بسیاری از حقوقدانان معتقدند که استفاده از سلاح هسته‌ای با:

• حق حیات؛

• اصل تناسب؛

• اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان؛ سازگار نیست.

خلع سلاح و حق بر صلح

بدون پیشرفت واقعی در حوزه خلع سلاح، تحقق کامل حق بر صلح دشوار خواهد بود.

به همین دلیل، خلع سلاح هسته‌ای یکی از مطالبات اصلی جنبش‌های صلح جهانی است.

۵-۶. تروریسم و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز

یکی دیگر از تهدیدهای مهم علیه صلح، تروریسم است.

آثار تروریسم

تروریسم:

• امنیت عمومی را مختل می‌کند؛

• ترس اجتماعی ایجاد می‌کند؛

• توسعه را متوقف می‌سازد؛

• و روابط میان جوامع را تضعیف می‌کند.

چالش حقوقی

مبارزه با تروریسم باید به گونه‌ای انجام شود که خود موجب نقض حقوق بشر نشود.

این یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های حقوق بین‌الملل معاصر است.

۶-۶. فقر و نابرابری؛ دشمنان خاموش صلح

بسیاری از منازعات ریشه در مشکلات اقتصادی دارند.

فقر ساختاری

زمانی که میلیون‌ها انسان:

بنابراین، جنگ همچنان بزرگ‌ترین مانع تحقق حق بر صلح است.

۳-۶. رقابت قدرت‌های بزرگ و بحران‌های ژئوپلیتیکی

یکی از ویژگی‌های نظام بین‌المللی معاصر، رقابت فزاینده میان قدرت‌های بزرگ است.

بازگشت سیاست قدرت

برخی تحلیلگران معتقدند جهان بار دیگر به سمت نوعی رقابت قدرت‌محور حرکت می‌کند.

این رقابت‌ها می‌توانند:

• تنش‌های منطقه‌ای را تشدید کنند؛

• مسابقات تسلیحاتی را افزایش دهند؛

• و خطر درگیری‌های گسترده‌تر را به وجود آورند.

تأثیر بر حق بر صلح

زمانی که منافع ژئوپلیتیکی بر همکاری بین‌المللی غلبه کند، تحقق حق بر صلح دشوارتر خواهد شد.

زیرا تصمیمات بین‌المللی ممکن است تحت تأثیر ملاحظات سیاسی قرار گیرند.

۴-۶. سلاح‌های هسته‌ای؛ تهدیدی علیه موجودیت بشریت

هیچ موضوعی به اندازه سلاح‌های هسته‌ای با مفهوم حق بر صلح ارتباط ندارد.

ابعاد خطر

برخلاف سلاح‌های متعارف، سلاح‌های هسته‌ای قادرند:

• میلیون‌ها نفر را در مدت کوتاهی نابود کنند؛

• محیط زیست را برای نسل‌ها آلوده سازند؛

• و حتی بقای بشریت را تهدید کنند.

ناسازگاری با حقوق بشر



• زمین؛

• یا منابع طبیعی رخ دهند.

محیط زیست و صلح

به همین دلیل، حفاظت از محیط زیست امروزه بخشی از راهبردهای صلح

جهانی محسوب می‌شود.

۶-۸. مهاجرت‌های اجباری و بحران‌های انسانی

جنگ، فقر و تغییرات اقلیمی موجب افزایش مهاجرت‌های اجباری شده‌اند.

پیامدهای انسانی

آوارگان و پناهندگان معمولاً با:

• فقر؛

• تبعیض؛

• مشکلات بهداشتی؛

• و ناامنی مواجه می‌شوند.

تأثیر بر صلح

اگر مدیریت مناسبی وجود نداشته باشد، بحران‌های مهاجرتی می‌توانند

تنش‌های اجتماعی و سیاسی را افزایش دهند.

۶-۹. فضای سایبری و تهدیدهای نوین علیه صلح

تحولات فناوری، ابعاد جدیدی به مفهوم امنیت داده است.

جنگ سایبری

امروزه حملات سایبری می‌توانند:

• زیرساخت‌های حیاتی را مختل کنند؛

• خدمات عمومی را متوقف سازند؛

• و خسارات گسترده اقتصادی ایجاد نمایند.

خلأهای حقوقی

حقوق بین‌الملل هنوز به طور کامل با چالش‌های فضای سایبری سازگار

• به غذا دسترسی نداشته باشند؛

• از آموزش محروم باشند؛

• یا در فقر شدید زندگی کنند؛ زمینه‌های بی‌ثباتی اجتماعی افزایش می‌یابد.

نابرابری و خشونت

نابرابری شدید می‌تواند:

• احساس بی‌عدالتی ایجاد کند؛

• اعتماد اجتماعی را کاهش دهد؛

• و زمینه‌ساز درگیری شود.

عدالت اجتماعی و صلح

به همین دلیل، بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند:

صلح بدون عدالت اجتماعی پایدار نخواهد بود.

۶-۷. تغییرات اقلیمی و حق بر صلح

یکی از مهم‌ترین تهدیدهای نوظهور علیه صلح، بحران تغییرات اقلیمی است.

کمبود منابع طبیعی

گرمایش زمین می‌تواند موجب:

• کمبود آب؛

• کاهش تولید غذا؛

• مهاجرت‌های گسترده؛

• و رقابت بر سر منابع شود.

درگیری‌های زیست‌محیطی

برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در آینده، بسیاری از منازعات ممکن

است بر سر:

• آب؛



نشده است.

این موضوع یکی از چالش‌های آینده حق بر صلح خواهد بود.

۶-۱۰. اطلاعات نادرست، نفرت‌پراکنی و رسانه‌های مخرب

در عصر شبکه‌های اجتماعی، اطلاعات به سرعت منتشر می‌شود.

اما این فرصت می‌تواند به تهدید نیز تبدیل شود.

اخبار جعلی

انتشار اطلاعات نادرست می‌تواند:

• تنش‌های قومی و مذهبی را تشدید کند؛

• بی‌اعتمادی اجتماعی ایجاد کند؛

• و حتی زمینه خشونت را فراهم آورد.

نفرت‌پراکنی

تاریخ نشان داده است که بسیاری از جنایات جمعی پیش از وقوع، با

گفتمان نفرت آغاز شده‌اند.

بنابراین، مقابله با نفرت‌پراکنی بخشی از راهبرد حمایت از صلح است.

۶-۱۱. ضعف اجرای حقوق بین‌الملل

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های حق بر صلح، ضعف ضمانت اجرا در نظام

بین‌المللی است.

مشکل اجرای قواعد

برخلاف نظام‌های داخلی، در حقوق بین‌الملل:

• پلیس جهانی وجود ندارد؛

• دادگاه‌های بین‌المللی صلاحیت محدود دارند؛

• و اجرای قواعد تا حد زیادی به اراده دولت‌ها وابسته است.

پیامدها

این وضعیت گاهی موجب می‌شود که نقض صلح و حقوق بشر بدون پاسخ

مؤثر باقی بماند.

۶-۱۲. بحران اعتماد به نهادهای بین‌المللی

یکی دیگر از چالش‌های معاصر، کاهش اعتماد برخی دولت‌ها و جوامع به

نهادهای بین‌المللی است.

دلایل بحران اعتماد

از جمله:

• استانداردهای دوگانه؛

• سیاسی شدن برخی تصمیمات؛

• ناکارآمدی در مدیریت بعضی بحران‌ها.

ضرورت اصلاح

برای تقویت حق بر صلح، نهادهای بین‌المللی باید:

• شفاف‌تر باشند؛

• پاسخگو تر شوند؛

• و اعتماد عمومی را افزایش دهند.

۶-۱۳. فرهنگ خشونت در جوامع

گاهی تهدید صلح تنها از سطح بین‌المللی ناشی نمی‌شود.

فرهنگ خشونت در سطوح مختلف اجتماعی نیز می‌تواند زمینه‌ساز

بی‌ثباتی باشد.

جلوه‌های خشونت

• خشونت خانوادگی؛

• خشونت علیه کودکان؛

• خشونت علیه زنان؛

• تبعیض؛

• نفرت قومی و مذهبی.

فرهنگ صلح

در مقابل، ترویج:



همچنین این مطالعات روشن می‌سازند که فقدان صلح چگونه می‌تواند تمامی حقوق بنیادین بشر را در معرض نابودی قرار دهد.

در این فصل، مهم‌ترین نمونه‌های تاریخی و معاصر مرتبط با حق بر صلح بررسی می‌شوند تا ابعاد عملی این حق بهتر تبیین گردد.

۲-۷. جنگ جهانی اول؛ شکست نظام سنتی حفظ صلح

جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) یکی از نخستین نشانه‌های ناکارآمدی نظام سنتی روابط بین‌الملل بود.

ابعاد فاجعه

این جنگ موجب:

- کشته شدن میلیون‌ها نفر؛
- نابودی گسترده زیرساخت‌ها؛
- فروپاشی امپراتوری‌های بزرگ؛
- و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی عمیق شد.

پیامدهای حقوقی

پس از پایان جنگ، جامعه بین‌المللی دریافت که صلح نمی‌تواند صرفاً بر توازن قوا استوار باشد.

در نتیجه:

League of Nations برای حفظ صلح جهانی تأسیس شد.

درس برای حق بر صلح

مهم‌ترین درس جنگ جهانی اول این بود که فقدان سازوکارهای مؤثر همکاری بین‌المللی می‌تواند به فاجعه‌ای جهانی منجر شود.

۳-۷. جنگ جهانی دوم و تولد نظام نوین صلح

اگر جنگ جهانی اول یک هشدار بود، جنگ جهانی دوم یک فاجعه بی‌سابقه برای بشریت محسوب می‌شد.

ابعاد انسانی

• مدارا؛

• گفت‌وگو؛

• احترام متقابل؛

• و آموزش حقوق بشر از مهم‌ترین ابزارهای تحقق صلح پایدار است.

جمع‌بندی فصل ششم

تحقق حق بر صلح در قرن بیست و یکم با چالش‌های پیچیده و چندلایه‌ای مواجه است. جنگ‌های مسلحانه، رقابت قدرت‌های بزرگ، سلاح‌های هسته‌ای، تروریسم، فقر، نابرابری، تغییرات اقلیمی، مهاجرت‌های اجباری، تهدیدهای سایبری و ضعف اجرای حقوق بین‌الملل همگی موانعی جدی بر سر راه تحقق این حق محسوب می‌شوند. با این حال، شناخت دقیق این چالش‌ها نخستین گام برای طراحی راهکارهای مؤثر و حرکت به سوی نظامی عادلانه‌تر و صلح‌آمیزتر است.

فصل هفتم:

مطالعات موردی حق بر صلح در نظام بین‌المللی

تحلیل تجارب تاریخی و معاصر در پرتو حقوق بین‌الملل و حقوق بشر

۱-۷. مقدمه

هیچ نظریه حقوقی بدون آزمون در عرصه واقعیت، کامل نیست. اگرچه حق بر صلح در اسناد بین‌المللی، قطعنامه‌ها و ادبیات حقوقی جایگاه مهمی یافته است، اما ارزش واقعی آن زمانی آشکار می‌شود که در بستر رخدادها و تاریخی و بحران‌های واقعی مورد بررسی قرار گیرد. مطالعات موردی نشان می‌دهند که صلح صرفاً یک مفهوم انتزاعی نیست، بلکه مسئله‌ای حیاتی برای بقا، امنیت، توسعه و کرامت انسانی است.



این جنگ:

همین تجربه باعث شد اندیشمندانی مانند یوهان گالتونگ مفهوم «صلح

مثبت» را مطرح کنند.

۷-۵. تجربه آفریقای جنوبی؛ پیروزی گفت‌وگو بر خشونت

یکی از موفق‌ترین نمونه‌های تحقق صلح از طریق عدالت و آشتی، تجربه:

South Africa است.

نظام آپارتاید

سال‌ها تبعیض نژادی موجب:

• نقض گسترده حقوق بشر؛

• خشونت؛

• و بی‌ثباتی اجتماعی شده بود.

نقش رهبری سیاسی

نقش برجسته:

Nelson Mandela

در گذار مسالمت‌آمیز به دموکراسی بسیار مهم بود.

کمیسیون حقیقت و آشتی

به جای انتقام‌جویی گسترده، سازوکاری برای کشف حقیقت و آشتی ملی

ایجاد شد.

درس برای حق بر صلح

صلح پایدار زمانی شکل می‌گیرد که عدالت، بخشش، حقیقت و آشتی در

کنار یکدیگر قرار گیرند.

۷-۶. روند صلح در ایرلند شمالی

یکی از نمونه‌های موفق حل منازعات طولانی‌مدت، توافق:

Good Friday Agreement است.

زمینه منازعه

دهه‌ها خشونت سیاسی و مذهبی در ایرلند شمالی موجب بی‌ثباتی

• ده‌ها میلیون کشته بر جای گذاشت؛

• موجب آوارگی گسترده شد؛

• و فجایی همچون هولوکاست را رقم زد.

تولد سازمان ملل متحد

جامعه جهانی پس از این جنگ به این نتیجه رسید که صلح باید به یک

اصل بنیادین حقوق بین‌الملل تبدیل شود.

در نتیجه:

United Nations در سال ۱۹۴۵ تأسیس شد.

اهمیت برای حق بر صلح

منشور ملل متحد نخستین گام بزرگ در تبدیل صلح از یک آرمان سیاسی

به یک هدف حقوقی جهانی بود.

۷-۴. جنگ سرد؛ صلح در سایه ترس

دوران جنگ سرد یکی از پیچیده‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر است.

ویژگی‌های اصلی

در این دوره:

• دو بلوک قدرت جهانی شکل گرفت؛

• مسابقه تسلیحات هسته‌ای گسترش یافت؛

• و جهان بارها در آستانه جنگ هسته‌ای قرار گرفت.

پارادوکس جنگ سرد

اگرچه جنگ جهانی مستقیمی رخ نداد، اما جهان در شرایطی از ترس

دائمی زندگی می‌کرد.

این وضعیت نشان داد که نبود جنگ لزوماً به معنای تحقق حق بر صلح

نیست.

مفهوم صلح مثبت



- گسترده شده بود. ابعاد انسانی
- راهکار این منازعه دهه‌هاست موجب:
- تلفات انسانی؛
 - آوارگی؛
 - بی‌ثباتی منطقه‌ای؛
 - و نقض حقوق بشر شده است.
- چالش‌های حقوقی
- موضوعاتی مانند:
- حق تعیین سرنوشت؛
 - اشغال سرزمینی؛
 - وضعیت پناهندگان؛
 - امنیت غیرنظامیان؛ در این منازعه مطرح هستند.
- ارتباط با حق بر صلح
- این بحران نشان می‌دهد که بدون اجرای حقوق بین‌الملل و عدالت پایدار، دستیابی به صلح دشوار خواهد بود.
- ۷-۹. جنگ اوکراین و چالش‌های جدید صلح جهانی
- جنگ در:
- Ukraine یکی از مهم‌ترین بحران‌های بین‌المللی دهه اخیر محسوب می‌شود.
- پیامدهای انسانی
- این جنگ موجب:
- کشته و زخمی شدن هزاران نفر؛
 - جابه‌جایی گسترده جمعیت؛
 - و خسارات عظیم اقتصادی شده است.
- پیامدهای جهانی
- مشارکت گروه‌های مختلف؛ زمینه دستیابی به توافق صلح را فراهم کرد.
- اهمیت
- این تجربه نشان داد که حتی منازعات پیچیده و ریشه‌دار نیز از طریق مذاکره قابل حل هستند.
- ۷-۷. نسل‌کشی رواندا؛ شکست جامعه بین‌المللی
- یکی از تلخ‌ترین نمونه‌های نقض حق بر صلح، نسل‌کشی: Rwandan genocide است.
- ابعاد فاجعه
- در مدت کوتاهی صدها هزار نفر جان خود را از دست دادند.
- ناکامی جامعه جهانی
- جامعه بین‌المللی نتوانست به موقع از وقوع این فاجعه جلوگیری کند.
- پیامد حقوقی
- این رویداد بعدها در شکل‌گیری مفهوم: «مسئولیت حمایت» (Responsibility to Protect) نقش مهمی ایفا کرد.
- ۷-۸. منازعه فلسطین و اسرائیل؛ آزمون بزرگ حق بر صلح
- یکی از طولانی‌ترین بحران‌های معاصر، منازعه میان: Palestine و Israel است.



- علاوه بر آثار منطقه‌ای، این جنگ بر:
- امنیت غذایی؛
- بازار انرژی؛
- و ثبات اقتصادی جهانی نیز تاثیر گذاشته است.
- درس حقوقی
- این بحران نشان می‌دهد که نقض صلح در یک منطقه می‌تواند پیامدهای جهانی داشته باشد.
- ۷-۱۰. تجربه اتحادیه اروپا؛ صلح از طریق همگرایی یکی از موفق‌ترین نمونه‌های صلح‌سازی در تاریخ معاصر: European Union است.
- پیشینه تاریخی
- کشورهای اروپایی قرن‌ها درگیر جنگ‌های خونین بودند.
- تحول بنیادین
- پس از جنگ جهانی دوم، همکاری اقتصادی و سیاسی جایگزین رقابت نظامی شد.
- اهمیت
- اتحادیه اروپا نشان داد که:
- همکاری اقتصادی؛
- احترام به حقوق بشر؛
- و نهادسازی مشترک می‌تواند صلح پایدار ایجاد کند.
- ۷-۱۱. تجربه سازمان‌های منطقه‌ای در آمریکای لاتین
- در آمریکای لاتین نیز روندهای مهمی برای حل اختلافات از طریق گفت‌وگو شکل گرفته است.
- ویژگی‌ها
- توسعه میانجی‌گری؛
- تقویت دموکراسی؛
- حل مسالمت‌آمیز اختلافات مرزی.
- نتیجه
- این تجربیات نشان می‌دهند که سازمان‌های منطقه‌ای می‌توانند مکمل مهمی برای نظام جهانی صلح باشند.
- ۷-۱۲. همه‌گیری کرونا و مفهوم جدید صلح
- یکی از نکات مهم در سال‌های اخیر، گسترش مفهوم صلح فراتر از جنگ‌های نظامی بوده است.
- درس‌های همه‌گیری
- همه‌گیری جهانی نشان داد که:
- سلامت جهانی؛
- همکاری علمی؛
- و همبستگی انسانی نیز بخشی از امنیت و صلح محسوب می‌شوند.
- تحول مفهومی
- امروزه صلح صرفاً به معنای نبود جنگ نیست؛ بلکه شامل امنیت انسانی در گسترده‌ترین معنای آن است.
- ۷-۱۳. جمع‌بندی مطالعات موردی
- مطالعات موردی نشان می‌دهند که حق بر صلح یک مفهوم انتزاعی یا صرفاً نظری نیست. جنگ‌های جهانی، نسل‌کشی‌ها، بحران‌های منطقه‌ای و منازعات معاصر آثار ویرانگر فقدان صلح را آشکار ساخته‌اند. در مقابل، تجربه آفریقای جنوبی، ایرلند شمالی، اتحادیه اروپا و سایر نمونه‌های موفق نشان می‌دهد که گفت‌وگو، عدالت، همکاری و احترام به حقوق بشر می‌توانند مسیر دستیابی به صلح پایدار را هموار کنند.
- جمع‌بندی فصل هفتم:
- تجربه تاریخی بشریت ثابت کرده است که صلح نه یک رؤیای آرمان‌گرایانه



محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر، بررسی حقوق ایران و مقایسه آن با نظام‌های حقوقی دیگر می‌تواند ابعاد جدیدی از جایگاه حق بر صلح را آشکار سازد.

۸-۲. مفهوم صلح در قرآن کریم

برای شناخت دیدگاه اسلام درباره صلح، باید پیش از هر چیز به قرآن کریم مراجعه کرد.

نکته قابل توجه آن است که واژه‌های مرتبط با صلح، سلام، اصلاح، آشتی و امنیت ده‌ها بار در قرآن به کار رفته‌اند.

این امر نشان می‌دهد که صلح یکی از ارزش‌های بنیادین در جهان‌بینی اسلامی است.

صلح به عنوان اصل

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً»

(سوره بقره، آیه ۲۰۸)

این آیه مسلمانان را به ورود کامل در مسیر صلح فرا می‌خواند.

بسیاری از مفسران معتقدند که این آیه بیانگر جایگاه والای صلح در نظام ارزشی اسلام است.

ترجیح صلح بر مخاصمه

خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

«وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»

(سوره انفال، آیه ۶۱)

یعنی:

اگر دشمنان به صلح گرایش پیدا کردند، تو نیز صلح را بپذیر.

این آیه یکی از مهم‌ترین مستندات قرآنی در حمایت از حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات محسوب می‌شود.

بلکه ضرورتی حیاتی برای بقا و پیشرفت جوامع انسانی است. مطالعات موردی نشان می‌دهند که هر جا عدالت، حقوق بشر، گفت‌وگو و همکاری تقویت شده‌اند، صلح نیز پایدارتر بوده است و هر جا تبعیض، خشونت و بی‌عدالتی گسترش یافته‌اند، جنگ و بحران نیز ظهور کرده‌اند. از این رو، حق بر صلح باید به عنوان یکی از ستون‌های اصلی نظم حقوقی بین‌المللی معاصر شناخته شود.

فصل هشتم:

حق بر صلح در اندیشه اسلامی، حقوق ایران و نظام‌های حقوقی تطبیقی

بررسی مبانی قرآنی، فقهی، حقوق اساسی و رویکردهای تطبیقی در حمایت از صلح

۱-۸. مقدمه

یکی از مهم‌ترین ابعاد پژوهش درباره «حق بر صلح»، بررسی ریشه‌های فرهنگی، دینی و حقوقی آن در نظام‌های مختلف حقوقی جهان است. اگرچه مفهوم حق بر صلح در ادبیات جدید حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بیشتر پس از جنگ جهانی دوم توسعه یافته است، اما مبانی فکری و ارزشی آن در بسیاری از تمدن‌ها، ادیان و نظام‌های حقوقی سابقه‌ای بسیار طولانی دارد.

در این میان، اندیشه اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. برخلاف برخی برداشت‌های نادرست که اسلام را صرفاً از منظر جنگ و جهاد تحلیل می‌کنند، مطالعه دقیق قرآن کریم، سنت پیامبر اسلام (ص)، سیره اهل بیت (ع) و منابع فقه اسلامی نشان می‌دهد که صلح، عدالت، کرامت انسانی و همزیستی مسالمت‌آمیز از مهم‌ترین ارزش‌های بنیادین اسلام



از این منظر می‌توان گفت که میان بسیاری از آموزه‌های اسلامی و اصول بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر همگرایی قابل توجهی وجود دارد.

۸-۵. صلح در سیره پیامبر اسلام (ص)

برای شناخت عملی دیدگاه اسلام نسبت به صلح، مطالعه سیره پیامبر اسلام (ص) ضروری است.

پیمان مدینه

یکی از نخستین اسناد سیاسی اسلام:

«میثاق مدینه» بود.

این سند میان مسلمانان، یهودیان و سایر ساکنان مدینه منعقد شد.

اهمیت تاریخی

میثاق مدینه:

• بر همزیستی مسالمت‌آمیز تأکید داشت؛

• آزادی‌های دینی را به رسمیت می‌شناخت؛

• و سازوکاری برای حل اختلافات فراهم می‌کرد.

بسیاری از پژوهشگران این سند را از نخستین نمونه‌های قرارداد اجتماعی و همزیستی مسالمت‌آمیز در تاریخ می‌دانند.

صلح حدیبیه

یکی از مشهورترین نمونه‌های ترجیح صلح بر جنگ، پیمان حدیبیه است. اگرچه برخی مسلمانان در ابتدا این توافق را ناعادلانه می‌دانستند، اما بعدها مشخص شد که این صلح زمینه‌ساز گسترش اسلام و کاهش خشونت شد.

درس حقوقی

صلح حدیبیه نشان می‌دهد که در اندیشه اسلامی، مذاکره و مصالحه می‌تواند بر تقابل و جنگ ترجیح داشته باشد.

۸-۶. حق بر صلح در فقه اسلامی

فقه اسلامی نیز قواعد متعددی دارد که با مفهوم حق بر صلح ارتباط پیدا

۸-۳. کرامت انسانی و حق بر صلح در قرآن

یکی از پایه‌های اصلی حق بر صلح، اصل کرامت انسانی است.

در قرآن آمده است:

«وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ»

(سوره اسراء، آیه ۷۰)

این آیه بیانگر آن است که تمامی انسان‌ها صرف‌نظر از نژاد، قومیت، زبان یا دین دارای کرامت ذاتی هستند.

ارتباط کرامت انسانی و صلح

وقتی همه انسان‌ها دارای کرامت باشند:

• جنگ‌های تجاوزکارانه فاقد مشروعیت خواهند بود؛

• تبعیض نژادی مردود خواهد بود؛

• خشونت‌های غیرضروری محکوم خواهند شد.

در نتیجه، اصل کرامت انسانی یکی از مبانی مهم حق بر صلح در اندیشه اسلامی است.

۸-۴. منع تجاوز در اسلام و حقوق بین‌الملل

یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر، منع توسل به زور است.

جالب آنکه این اصل در آموزه‌های اسلامی نیز جایگاه برجسته‌ای دارد.

اصل عدم تجاوز

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»

(سوره بقره، آیه ۱۹۰)

این آیه تجاوز و تعدی را ممنوع می‌داند.

شباهت با منشور ملل متحد

امروزه ماده ۲ بند ۴ منشور سازمان ملل نیز بر ممنوعیت توسل به زور

تأکید دارد.



اصل ۱۵۴

بر اساس این اصل:

جمهوری اسلامی ایران از مبارزه حق طلبانه مستضعفان حمایت می‌کند
اما در امور داخلی ملتها دخالت نمی‌کند.

اهمیت حقوقی

این اصول نشان می‌دهند که قانون اساسی ایران بر همزیستی
مسالمت‌آمیز، استقلال و احترام به حقوق ملتها تأکید دارد.

۸-۸. حق بر صلح در نظام حقوقی اروپا

در بسیاری از کشورهای اروپایی، صلح به عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین
نظام سیاسی شناخته می‌شود.

تجربه پس از جنگ جهانی دوم

پس از دو جنگ جهانی، کشورهای اروپایی به این نتیجه رسیدند که
همکاری و همگرایی بهترین راه جلوگیری از جنگ است.

نقش اتحادیه اروپا

European Union نمونه موفق از نهادسازی منطقه‌ای برای حفظ
صلح محسوب می‌شود.

۸-۹. حق بر صلح در نظام حقوقی آمریکای لاتین

برخی از کشورهای آمریکای لاتین در قوانین اساسی خود به صلح اشاره
کرده‌اند.

قانون اساسی کلمبیا

Colombia از جمله کشورهایی است که صلح را به عنوان یک حق و
تکلیف عمومی مورد شناسایی قرار داده است.

اهمیت

این رویکرد نشان می‌دهد که مفهوم حق بر صلح به تدریج وارد حقوق
داخلی کشورها نیز شده است.

می‌کنند.

اصل صلح و مصالحه

در فقه اسلامی:

«الصلح خیر» یکی از اصول شناخته شده است.

صلح نه تنها در روابط فردی بلکه در روابط اجتماعی و سیاسی نیز جایگاه
مهمی دارد.

قاعده نفی ضرر

بر اساس قاعده:

«لا ضرر و لا ضرار» هیچ فردی نباید موجب زیان ناروا به دیگران شود.

جنگ‌های تجاوزکارانه و خشونت‌های غیرضروری با این اصل ناسازگار
هستند.

حفظ جان انسان

فقه اسلامی اهمیت ویژه‌ای برای حفظ جان انسان قائل است.

قرآن کریم می‌فرماید:

«هر کس انسانی را نجات دهد، گویی همه بشریت را نجات داده است.»

این نگرش ارتباط نزدیکی با فلسفه حق بر صلح دارد.

۸-۷. حق بر صلح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اصول متعددی دارد که با صلح
و روابط مسالمت‌آمیز بین‌المللی مرتبط هستند.

اصل ۱۵۲

این اصل بر:

• نفی سلطه‌گری؛

• نفی سلطه‌پذیری؛

• حفظ استقلال؛

• و روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحارب تأکید می‌کند.



و نظام‌های حقوقی مختلف دارد. قرآن کریم، سیره پیامبر اسلام (ص)، قواعد فقهی، اصول قانون اساسی ایران و تجربه‌های حقوقی سایر کشورها همگی بر ارزش صلح، کرامت انسانی، عدالت و حل مسالمت‌آمیز اختلافات تأکید دارند. این همگرایی جهانی و تمدنی می‌تواند پشتوانه‌ای مهم برای تقویت جایگاه حقوقی حق بر صلح در آینده باشد.

فصل نهم:

راهکارهای حقوقی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی برای نهادینه‌سازی حق بر صلح در قرن بیست و یکم

از آرمان حقوقی تا تحقق عملی صلح پایدار

۱-۹. مقدمه

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های پژوهش حاضر این است که چگونه می‌توان «حق بر صلح» را از سطح یک آرمان اخلاقی و یک هنجار نوظهور حقوقی به یک واقعیت عینی و قابل اجرا در زندگی ملت‌ها تبدیل کرد؟ تجربه تاریخی نشان داده است که صرف تصویب معاهدات و اعلامیه‌های بین‌المللی برای تحقق صلح کافی نیست. جهان امروز دارای پیشرفته‌ترین اسناد حقوقی، گسترده‌ترین نهادهای بین‌المللی و پیچیده‌ترین سازوکارهای همکاری جهانی است؛ با این حال همچنان شاهد جنگ، خشونت، فقر، تروریسم، تبعیض و بحران‌های انسانی هستیم. این واقعیت نشان می‌دهد که تحقق حق بر صلح نیازمند یک رویکرد جامع، چندبعدی و میان‌رشته‌ای است؛ رویکردی که همزمان ابعاد حقوقی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و اخلاقی را در برگیرد.

۲-۹. اصلاح ساختار نظام بین‌المللی

۸-۱۰. حق بر صلح در حقوق آفریقا

در نظام حقوقی آفریقا نیز ارتباط میان توسعه، عدالت و صلح مورد توجه قرار گرفته است.

منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها

African Charter on Human and Peoples' Rights

بر همکاری، توسعه و احترام متقابل میان ملت‌ها تأکید دارد.

تجربه آفریقایی

بسیاری از کشورهای آفریقایی به دلیل تجربه استعمار، جنگ داخلی و نسل‌کشی، اهمیت ویژه‌ای برای صلح قائل هستند.

۸-۱۱. همگرایی ادیان و تمدن‌ها در حمایت از صلح

یکی از نکات مهم آن است که حمایت از صلح محدود به یک دین یا فرهنگ خاص نیست.

تقریباً تمامی ادیان بزرگ جهان:

- اسلام؛
- مسیحیت؛
- یهودیت؛
- بودیسم؛
- هندوئیسم؛ بر ارزش صلح و احترام به انسان تأکید کرده‌اند.

اهمیت گفت‌وگوی بین‌فرهنگی

در جهان معاصر، گفت‌وگوی میان ادیان و تمدن‌ها می‌تواند نقش مهمی در کاهش تنش‌ها و تقویت فرهنگ صلح ایفا کند.

جمع‌بندی فصل هشتم:

بررسی منابع اسلامی، فقهی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظام‌های حقوقی تطبیقی نشان می‌دهد که حق بر صلح صرفاً محصول حقوق بین‌الملل معاصر نیست، بلکه ریشه‌های عمیقی در فرهنگ‌ها، ادیان



جامعه جهانی باید سازوکارهایی ایجاد کند که هزینه نقض صلح افزایش یابد.

هرچه ناقضان قواعد بین‌المللی پاسخگوتر باشند، احتمال وقوع جنگ کاهش می‌یابد.

۴-۹. جهانی‌سازی فرهنگ گفت‌وگو

یکی از مهم‌ترین ابزارهای تحقق صلح، گفت‌وگو است.

گفت‌وگو به جای تقابل

بسیاری از جنگ‌ها نتیجه:

- سوء تفاهم؛

- بی‌اعتمادی؛

- تعصب؛

- و فقدان ارتباط مؤثر هستند.

دیپلماسی گفت‌وگو

کشورها باید پیش از توسل به هرگونه تنش، تمامی ظرفیت‌های:

- مذاکره؛

- میانجی‌گری؛

- داوری؛

- سازش؛ را به کار گیرند.

صلح از مسیر ارتباط

هیچ توافق صلح پایداری بدون گفت‌وگوی واقعی میان طرف‌های درگیر حاصل نشده است.

۵-۹. آموزش حقوق بشر و آموزش صلح

یکی از موثرترین راهکارهای بلند مدت برای تحقق حق بر صلح، آموزش است.

چرا آموزش اهمیت دارد؟

یکی از نخستین الزامات تحقق حق بر صلح، تقویت و اصلاح نظام بین‌المللی است.

بسیاری از بحران‌های معاصر نشان داده‌اند که برخی از ساختارهای موجود دیگر پاسخگوی پیچیدگی‌های جهان امروز نیستند.

اصلاح شورای امنیت

یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق بین‌الملل معاصر، اصلاح ساختار:

United Nations Security Council است.

چالش حق وتو

حق وتو که در سال ۱۹۴۵ طراحی شد، در موارد متعدد مانع واکنش مؤثر

جامعه جهانی در برابر بحران‌های انسانی شده است.

بسیاری از صاحب‌نظران پیشنهاد می‌کنند:

- دامنه استفاده از وتو محدود شود؛

- در موارد نسل‌کشی و جنایات بین‌المللی استفاده از وتو ممنوع گردد؛

- و نمایندگی مناطق مختلف جهان در شورا افزایش یابد.

ضرورت مشروعیت بیشتر

هر اندازه ساختار شورای امنیت عادلانه‌تر و نماینده‌تر باشد، توانایی آن

برای حمایت از صلح نیز بیشتر خواهد شد.

۳-۹. تقویت حقوق بین‌الملل و ضمانت اجرای آن

یکی از ضعف‌های مهم نظام بین‌المللی، محدود بودن ضمانت اجراها است.

ضرورت احترام به حقوق بین‌الملل

دولت‌ها باید:

- اصل منع توسل به زور را رعایت کنند؛

- به تعهدات بین‌المللی پایبند باشند؛

- و اختلافات خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند.

توسعه مسئولیت بین‌المللی



- و نابرابری گسترش یافته است، احتمال بی ثباتی نیز افزایش یافته است.
- صلح بدون عدالت؟
- صلحی که بر بی عدالتی بنا شود، معمولاً موقتی است.
- صلح پایدار نیازمند:
- توزیع عادلانه فرصت‌ها؛
- دسترسی برابر به خدمات عمومی؛
- و احترام به کرامت انسانی است.
- ۷-۹. کاهش فقر و تحقق توسعه پایدار
- فقر یکی از تهدیدهای خاموش علیه صلح است.
- آثار فقر
- فقر می‌تواند:
- احساس محرومیت ایجاد کند؛
- زمینه افراط‌گرایی را فراهم آورد؛
- و اعتماد اجتماعی را تضعیف کند.
- توسعه به عنوان ابزار صلح
- سرمایه‌گذاری در:
- آموزش؛
- سلامت؛
- اشتغال؛
- زیرساخت‌ها؛ در واقع سرمایه‌گذاری برای صلح است.
- اهداف توسعه پایدار
- اهداف توسعه پایدار سازمان ملل نشان می‌دهند که مبارزه با فقر بخشی
- از راهبرد جهانی صلح است.
- ۸-۹. نقش رسانه‌ها در ترویج فرهنگ صلح
- رسانه‌ها امروز یکی از قدرتمندترین بازیگران اجتماعی هستند.

- بسیاری از رفتارهای خشونت‌آمیز نتیجه:
- جهل؛
- تعصب؛
- کلیشه‌های نادرست؛
- و فقدان آگاهی هستند.
- آموزش صلح در مدارس
- نظام‌های آموزشی باید مفاهیمی مانند:
- مدارا؛
- احترام متقابل؛
- حل مسالمت‌آمیز اختلافات؛
- حقوق بشر؛
- مسئولیت اجتماعی؛ را به نسل‌های آینده آموزش دهند.
- نقش دانشگاه‌ها
- دانشگاه‌ها می‌توانند:
- مطالعات صلح را گسترش دهند؛
- پژوهش‌های میان‌رشته‌ای انجام دهند؛
- و نسل جدیدی از متخصصان صلح را تربیت کنند.
- ۶-۹. توسعه عدالت اجتماعی
- یکی از مهم‌ترین یافته‌های مطالعات صلح این است که بی عدالتی زمینه‌ساز
- خشونت است.
- رابطه عدالت و صلح
- هر جا:
- تبعیض؛
- فقر؛
- فساد؛



- ۹-۱۰. نقش زنان در تحقق حق بر صلح
- رسانه‌های صلح‌محور
- یکی از مهم‌ترین تحولات معاصر، توجه به نقش زنان در فرآیندهای صلح
- رسانه‌ها می‌توانند:
- است.
- گفت‌وگو را تقویت کنند؛
 - آگاهی عمومی را افزایش دهند؛
 - و از نفرت‌پراکنی جلوگیری نمایند.
- مسئولیت اخلاقی رسانه‌ها
- رسانه‌ها نباید:
- خشونت را عادی‌سازی کنند؛
 - کلیشه‌های قومی و مذهبی ایجاد کنند؛
 - یا اخبار نادرست منتشر نمایند.
- روزنامه‌نگاری صلح
- در سال‌های اخیر مفهوم «روزنامه‌نگاری صلح» به عنوان رویکردی جدید
- مطرح شده است.
- این رویکرد بر حل مسئله، کاهش تنش و تقویت فهم متقابل تأکید دارد.
- ۹-۹. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد
- سازمان‌های غیردولتی می‌توانند پلی میان دولت‌ها و مردم باشند.
- کارکردهای مهم
- این سازمان‌ها می‌توانند:
- آموزش حقوق بشر ارائه دهند؛
 - میانجی‌گری اجتماعی انجام دهند؛
 - از قربانیان حمایت کنند؛
 - و فرهنگ صلح را ترویج نمایند.
- جامعه مدنی و صلح
- تجربه بسیاری از کشورها نشان داده است که صلح پایدار بدون مشارکت
- جامعه مدنی دشوار است.
- ۹-۱۱. نقش جوانان در ساختن آینده صلح
- جمعیت جوان جهان یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های تحقق صلح است.
- سرمایه اجتماعی جوانان
- جوانان می‌توانند:
- مروجان گفت‌وگو باشند؛
 - در فعالیت‌های داوطلبانه مشارکت کنند؛
 - و از فناوری برای ترویج صلح استفاده نمایند.
- ضرورت سرمایه‌گذاری بر نسل آینده
- هر برنامه صلحی که نسل جوان را نادیده بگیرد، در بلندمدت با شکست
- مواجه خواهد شد.
- ۹-۱۲. گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها
- بسیاری از تنش‌های معاصر ناشی از سوءبرداشت‌های فرهنگی و مذهبی
- است.



کند.

۹-۱۴. نهادینه سازی فرهنگ صلح

مهم‌ترین هدف نهایی تمامی راهکارهای فوق، ایجاد «فرهنگ صلح» است.

مفهوم فرهنگ صلح

فرهنگ صلح به معنای جامعه‌ای است که در آن:

• احترام به انسان؛

• مدارا؛

• عدالت؛

• گفت‌وگو؛

• همکاری؛ به ارزش‌های عمومی تبدیل شده باشند.

صلح از کجا آغاز می‌شود؟

صلح از:

• خانواده؛

• مدرسه؛

• دانشگاه؛

• رسانه؛

• و جامعه محلی آغاز می‌شود و سپس به سطح ملی و بین‌المللی گسترش

می‌یابد.

جمع‌بندی فصل نهم

تحقق حق بر صلح نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در سطوح ملی

و بین‌المللی است. اصلاح نهادهای جهانی، تقویت حقوق بین‌الملل،

گسترش آموزش صلح، توسعه عدالت اجتماعی، کاهش فقر، حمایت از

جامعه مدنی، مشارکت زنان و جوانان، گفت‌وگوی میان فرهنگ‌ها و

مدیریت مسئولانه فناوری از مهم‌ترین راهکارهای دستیابی به صلح پایدار

محسوب می‌شوند. در نهایت، صلح زمانی پایدار خواهد شد که به بخشی

اهمیت گفت‌وگوی بین‌فرهنگی

گفت‌وگوی میان ادیان و تمدن‌ها می‌تواند:

• کلیشه‌های نادرست را کاهش دهد؛

• اعتماد متقابل ایجاد کند؛

• و از افراط‌گرایی جلوگیری نماید.

اشتراکات انسانی

تقریباً تمامی ادیان بزرگ جهان بر:

• کرامت انسان؛

• عدالت؛

• محبت؛

• و صلح تأکید دارند.

۹-۱۳. فناوری و آینده صلح

فناوری می‌تواند هم تهدید و هم فرصت باشد.

فرصت‌ها

فناوری‌های نوین می‌توانند:

• آموزش صلح را گسترش دهند؛

• ارتباط میان ملت‌ها را تسهیل کنند؛

• و شفافیت را افزایش دهند.

تهدیدها

در مقابل:

• جنگ سایبری؛

• هوش مصنوعی نظامی؛

• انتشار اطلاعات نادرست؛ می‌توانند صلح را تهدید کنند.

ضرورت حکمرانی جهانی فناوری

جامعه بین‌المللی باید قواعدی برای استفاده مسئولانه از فناوری ایجاد



از فرهنگ عمومی جوامع تبدیل شود.

می‌بینند.

در واقع، صلح بستری است که سایر حقوق بشر در آن شکوفا می‌شوند.

یافته دوم:

حق بر صلح دارای مبانی حقوقی قابل توجهی است

اگرچه هنوز یک معاهده جهانی الزام‌آور و جامع درباره حق بر صلح وجود ندارد، اما اسناد متعددی از آن حمایت می‌کنند.

از جمله:

- منشور ملل متحد؛
 - اعلامیه جهانی حقوق بشر؛
 - میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر؛
 - اعلامیه حق بر توسعه؛
 - اعلامیه حق ملت‌ها بر صلح؛
 - اعلامیه حق بر صلح مصوب ۲۰۱۶ مجمع عمومی سازمان ملل.
- مجموع این اسناد نشان می‌دهد که حق بر صلح دارای پشتوانه حقوقی رو به رشدی است.

یافته سوم:

صلح مفهومی فراتر از نبود جنگ است

یکی از مهم‌ترین تحولات نظری، گذار از مفهوم «صلح منفی» به «صلح

مثبت» است.

صلح مثبت شامل:

- عدالت اجتماعی؛
- برابری؛
- توسعه؛
- احترام به حقوق بشر؛
- مشارکت سیاسی؛

فصل دهم:

نتیجه‌گیری، یافته‌های پژوهش و چشم‌انداز آینده حق بر صلح در حقوق بین‌الملل و حقوق بشر معاصر

۱-۱۰. مقدمه

پژوهش حاضر با هدف تبیین جایگاه «حق بر صلح» در نظام حقوق بین‌الملل و حقوق بشر معاصر انجام شد. بررسی تاریخی، نظری، حقوقی و عملی موضوع نشان داد که صلح دیگر صرفاً یک آرمان اخلاقی، فلسفی یا سیاسی نیست؛ بلکه به تدریج در حال تبدیل شدن به یک حق بنیادین انسانی و یک اصل هنجاری در حقوق بین‌الملل معاصر است.

در گذشته، صلح بیشتر به عنوان نتیجه توافق دولت‌ها تلقی می‌شد، اما تحولات قرن بیستم و بیست و یکم موجب شده است که انسان، کرامت انسانی و امنیت بشری در مرکز مفهوم صلح قرار گیرند. به همین دلیل، امروزه بسیاری از حقوق‌دانان، اندیشمندان و نهادهای بین‌المللی از «حق بر صلح» به عنوان یکی از حقوق نسل سوم حقوق بشر یاد می‌کنند.

۲-۱۰. مهم‌ترین یافته‌های پژوهش

مطالعه منابع حقوقی، اسناد بین‌المللی، رویه سازمان‌های بین‌المللی و تجارب تاریخی نشان می‌دهد که چند یافته اساسی قابل استخراج است. یافته نخست:

صلح زیربنای تمامی حقوق بشر است

هیچ حقی بدون صلح به طور کامل قابل تحقق نیست.

حق حیات، حق آموزش، حق سلامت، حق توسعه، حق مشارکت سیاسی و سایر حقوق بنیادین در شرایط جنگ و خشونت به شدت آسیب



بررسی تحولات حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد که حق بر صلح در حال طی کردن همان مسیری است که بسیاری از حقوق نوظهور قبلاً طی کرده‌اند.

مرحله نخست:

ظهور اخلاقی

ابتدا صلح به عنوان یک ارزش اخلاقی مطرح شد.

مرحله دوم:

شناسایی سیاسی

سپس دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی اهمیت آن را پذیرفتند.

مرحله سوم:

شناسایی حقوقی

در ادامه، اسناد بین‌المللی متعددی از آن حمایت کردند.

مرحله چهارم:

نهادینه‌سازی حقوقی

مرحله‌ای که هنوز به طور کامل تحقق نیافته و نیازمند تلاش بیشتر جامعه جهانی است.

۱۰-۴. آسیب‌شناسی وضعیت کنونی

علی‌رغم پیشرفت‌های مهم، چالش‌های متعددی همچنان وجود دارند.

ضعف ضمانت اجرا

بسیاری از قواعد مرتبط با صلح فاقد ضمانت اجرای کافی هستند.

استانداردهای دوگانه

در برخی موارد، قواعد حقوق بین‌الملل به صورت یکسان نسبت به همه کشورها اجرا نمی‌شوند.

سیاسی شدن نهادهای بین‌المللی

برخی تصمیمات بین‌المللی تحت تأثیر رقابت‌های سیاسی قرار می‌گیرند.

• و امنیت انسانی می‌شود.

یافته چهارم:

تهدیدهای نوین، مفهوم صلح را متحول کرده‌اند

امروزه تهدیدهای اصلی علیه صلح فقط جنگ‌های کلاسیک نیستند.

بلکه عواملی مانند:

• تروریسم؛

• فقر؛

• نابرابری؛

• تغییرات اقلیمی؛

• جرایم سازمان‌یافته؛

• حملات سایبری؛

• اطلاعات نادرست؛ نیز امنیت و صلح جهانی را تهدید می‌کنند.

یافته پنجم:

صلح یک مسئولیت مشترک جهانی است

برخلاف گذشته که حفظ صلح صرفاً وظیفه دولت‌ها تلقی می‌شد، امروزه

تمامی بازیگران در قبال آن مسئولیت دارند:

• دولت‌ها؛

• سازمان ملل متحد؛

• سازمان‌های منطقه‌ای؛

• دانشگاه‌ها؛

• رسانه‌ها؛

• نهادهای مذهبی؛

• سازمان‌های مردم‌نهاد؛

• و حتی شهروندان عادی.

۱۰-۳. تحلیل نهایی جایگاه حق بر صلح در حقوق بین‌الملل



ناکافی بودن آموزش صلح

در بسیاری از کشورها آموزش رسمی صلح و حقوق بشر هنوز جایگاه مناسبی ندارد.

۱۰-۵. پیشنهادهای حقوقی

برای تقویت حق بر صلح می‌توان اقدامات زیر را پیشنهاد کرد:

۱. تدوین کنوانسیون جهانی حق بر صلح

جامعه جهانی باید به سوی تصویب یک معاهده الزام‌آور درباره حق بر صلح حرکت کند.

۲. توسعه رویه قضایی بین‌المللی

دادگاه‌های بین‌المللی می‌توانند نقش بیشتری در حمایت از حق بر صلح ایفا کنند.

از جمله:

International Court of Justice

و

International Criminal Court

۳. تقویت مسئولیت دولت‌ها

دولت‌هایی که موجب نقض گسترده صلح می‌شوند باید پاسخگو باشند.

۴. اصلاح ساختار شورای امنیت

اصلاح سازوکار و تو و افزایش نمایندگی عادلانه کشورها ضروری است.

۱۰-۶. پیشنهادهای سیاسی

توسعه دیپلماسی پیشگیرانه

بسیاری از جنگ‌ها قبل از وقوع قابل پیشگیری هستند.

سرمایه‌گذاری بر:

• میانجی‌گری؛

• مذاکره؛

• هشدار زودهنگام؛ می‌تواند از وقوع بحران‌ها جلوگیری کند.

تقویت همکاری‌های منطقه‌ای

سازمان‌های منطقه‌ای باید نقش فعال‌تری در مدیریت اختلافات ایفا کنند.

گسترش دیپلماسی عمومی

ارتباط مستقیم ملت‌ها می‌تواند سوءتفاهم‌ها را کاهش دهد.

۱۰-۷. پیشنهادهای فرهنگی و آموزشی

آموزش صلح از دوران کودکی

برنامه‌های درسی مدارس باید شامل:

• فرهنگ مدارا؛

• احترام به تفاوت‌ها؛

• حل مسالمت‌آمیز اختلافات؛ باشد.

توسعه مطالعات صلح در دانشگاه‌ها

ضروری است رشته‌ها و مراکز مطالعات صلح گسترش یابند.

مسئولیت رسانه‌ها

رسانه‌ها باید به جای ترویج نفرت و دوقطبی‌سازی، فرهنگ گفت‌وگو و

همبستگی را تقویت کنند.

۱۰-۸. آینده حق بر صلح

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های آینده‌پژوهی حقوق بین‌الملل این است که

آیا حق بر صلح به یک حق الزام‌آور جهانی تبدیل خواهد شد؟

روندهای امیدوارکننده

نشانه‌های متعددی وجود دارد:

• گسترش ادبیات حقوقی؛

• حمایت فزاینده دانشگاهیان؛

• تصویب اسناد جدید؛

• افزایش نقش جامعه مدنی؛

• توجه بیشتر سازمان ملل به امنیت انسانی.



عصر معاصر است. این حق بیانگر آن است که انسان صرفاً حق زنده ماندن ندارد، بلکه حق دارد در محیطی عاری از جنگ، خشونت، ترس، تبعیض و ناامنی زندگی کند. مطالعه اسناد بین‌المللی، نظریه‌های حقوقی، تجربه‌های تاریخی و آموزه‌های دینی نشان می‌دهد که صلح شرط اساسی تحقق کرامت انسانی و توسعه پایدار است.

امروزه تحقق حق بر صلح نه تنها وظیفه دولت‌ها، بلکه مسئولیت مشترک تمامی اعضای جامعه جهانی است. سازمان‌های بین‌المللی، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها، نهادهای مدنی، رهبران مذهبی و شهروندان همگی در ساختن جهانی صلح‌آمیز سهیم هستند. آینده بشریت بیش از هر زمان دیگری به توانایی ما در جایگزین کردن گفت‌وگو به جای خشونت، همکاری به جای تقابل و عدالت به جای تبعیض وابسته است.

در نهایت می‌توان گفت:

حق بر صلح نه یک رؤیای آرمان‌گرایانه، بلکه ضرورتی حقوقی، اخلاقی و انسانی برای بقای تمدن بشری است.

چالش‌های آینده

در مقابل، جهان همچنان با:

• رقابت قدرت‌های بزرگ؛

• جنگ‌های منطقه‌ای؛

• بحران اقلیمی؛

• و تهدیدهای فناورانه مواجه است.

چشم‌انداز نهایی

به نظر می‌رسد آینده حقوق بین‌الملل بیش از هر زمان دیگری با مفهوم صلح گره خورده باشد.

اگر قرن بیستم قرن «حقوق بشر» بود، شاید قرن بیست و یکم بتواند قرن «حق بر صلح» باشد.

نتیجه‌گیری نهایی:

حق بر صلح یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فکری و حقوقی بشریت در



منابع

الف) منابع فارسی:

- بین الملل» مجله مطالعات حقوق عمومی.
۱۵. سلیمی، محمد. (۱۳۹۹). «نقش سازمان ملل متحد در تحقق صلح جهانی»
فصلنامه روابط بین الملل.

منابع اسلامی و فقهی:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. علامه طباطبایی. (۱۳۹۵). تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۰۱). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵. امام خمینی (ره). (۱۴۰۰). تحریرالوسیله. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. شهید مطهری، مرتضی. (۱۳۹۸). اسلام و مقتضیات زمان. تهران: صدرا.

ب) منابع انگلیسی

Books

۱. Brownlie, Ian. (۲۰۱۹). Principles of Public International Law. Oxford University Press

۲. Shaw, Malcolm N. (۲۰۲۱). International Law. Cambridge University Press

۳. Cassese, Antonio. (۲۰۰۵). International Law. Oxford University Press

۴. Henkin, Louis. (۱۹۹۵). International Law: Politics and

کتابها:

۱. آقایی، بهرام. (۱۴۰۱). حقوق بین الملل عمومی. تهران: انتشارات گنج دانش.
۲. ضیایی بیگدلی، محمدرضا. (۱۴۰۲). حقوق بین الملل عمومی. تهران: گنج دانش.
۳. ممتاز، جمشید. (۱۳۹۸). حقوق بین الملل معاصر. تهران: نشر میزان.
۴. موسی زاده، رضا. (۱۴۰۰). حقوق سازمان های بین المللی. تهران: میزان.
۵. هاشمی، سید محمد. (۱۴۰۰). حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: میزان.
۶. قربان نیا، ناصر. (۱۳۹۹). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی. تهران: شهر دانش.
۷. صفایی، سید حسین. (۱۳۹۸). حقوق بشر در اسناد بین المللی. تهران: سمت.
۸. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۷). فلسفه حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۹۶). فقه سیاسی اسلام. تهران: امیرکبیر.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۸). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش.

مقالات فارسی:

۱۱. ممتاز، جمشید. (۱۳۹۹). «صلح و امنیت بین المللی در پرتو تحولات جدید نظام جهانی» فصلنامه مطالعات حقوقی بین المللی.
۱۲. قربان نیا، ناصر. (۱۴۰۰). «حق بر صلح و جایگاه آن در حقوق بشر معاصر» مجله حقوقی دادگستر.
۱۳. محمدی، علی. (۱۴۰۱). «تحلیل اعلامیه حق بر صلح سازمان ملل متحد» فصلنامه پژوهش های حقوق بین الملل.
۱۴. میرمحمد صادقی، حسین. (۱۴۰۰). «جایگاه امنیت انسانی در حقوق



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



Richmond, Oliver. (۲۰۱۴). Peace: A Very Short. ۱۳
Introduction. Oxford University Press

Mac Ginty, Roger. (۲۰۲۱). Everyday Peace. Oxford. ۱۴
University Press

Ramsbotham, Oliver; Woodhouse, Tom; Miall, Hugh. ۱۵
Contemporary Conflict Resolution. Polity Press. (۲۰۲۲)

مقالات انگلیسی:

Alston, Philip. (۱۹۸۰). "Peoples' Rights: Their Rise and. ۱۶
Fall." Human Rights Quarterly

Galtung, Johan. (۱۹۶۹). "Violence, Peace and Peace. ۱۷
Research." Journal of Peace Research

Reardon, Betty. (۲۰۱۵). "Human Rights and Human. ۱۸
Security as a Basis for Peace Education." Peace Review

Fernández, David. (۲۰۱۸). "The Human Right to. ۱۹
Peace." Peace Human Rights Governance

Dupuy, Pierre-Marie. (۲۰۱۶). "International Law and. ۲۰
Peace." European Journal of International Law

United Nations. (۱۹۴۵). Charter of the United Nations. San. ۱

Values. Martinus Nijhoff Publishers

Tomuschat, Christian. (۲۰۰۸). Human Rights: Between. ۵
Idealism and Realism. Oxford University Press

Alston, Philip & Goodman, Ryan. (۲۰۱۳). International. ۶
Human Rights. Oxford University Press

Steiner, Henry J., Alston, Philip & Goodman, Ryan. ۷
International Human Rights in Context. Oxford. (۲۰۲۰)
University Press

Bassiouni, M. Cherif. (۲۰۱۱). Introduction to International. ۸
Criminal Law. Martinus Nijhoff

Dinstein, Yoram. (۲۰۲۲). War, Aggression and Self-. ۹
Defence. Cambridge University Press

Gray, Christine. (۲۰۲۴). International Law and the Use of. ۱۰
Force. Oxford University Press

Orend, Brian. (۲۰۱۳). The Morality of War. Broadview. ۱۱
Press

Galtung, Johan. (۱۹۹۶). Peace by Peaceful Means: Peace. ۱۲
and Conflict, Development and Civilization. Sage
Publications



فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir



United Nations Educational, Scientific and Cultural.^۱
Organization. (۱۹۴۵). Constitution of UNESCO

.Francisco

International Labour Organization. (۱۹۱۹). Constitution.^{۱۰}
.of the International Labour Organization

United Nations General Assembly. (۱۹۴۸). Universal.^۲
Declaration of Human Rights

(د) آرای قضایی و رویه‌های بین‌المللی

United Nations General Assembly. (۱۹۶۶). International.^۳
Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)

International Court of Justice. Corfu Channel Case.^۱
(United Kingdom v. Albania), ۱۹۴۹

United Nations General Assembly. (۱۹۶۶). International .^۴
Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)

International Court of Justice. Military and Paramilitary.^۲
Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United
States), ۱۹۸۶

United Nations General Assembly. (۱۹۸۴). Declaration on.^۵
the Right of Peoples to Peace. Resolution ۳۹/۱۱

International Court of Justice. Advisory Opinion on the.^۳
Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, ۱۹۹۶

United Nations General Assembly. (۱۹۹۹). Declaration.^۶
and Programme of Action on a Culture of
Peace. Resolution ۵۳/۲۴۳

International Court of Justice. Armed Activities on the.^۴
Territory of the Congo, ۲۰۰۵

United Nations General Assembly. (۱۹۸۶). Declaration on.^۷
the Right to Development

International Criminal Court. Rome Statute of the.^۵
International Criminal Court, ۱۹۹۸

United Nations General Assembly. (۲۰۱۶). Declaration on.^۸
the Right to Peace. Resolution ۷۱/۱۸۹